

# آئین ریشه ئی (قانون اساسی) نوین ایران

## نمودار پیشنهادی انجمن پادشاهی ایران برای فردای رهائی میهن

### بنام خداوند جان و خرد

با گذشت ۲۴ سال از پرگرفتارترین دوران زندگی مردم ایران و پس از آشکار شدن همه بداندیشیهای کشورهای بیگانه نسبت به سرنوشت میهن و فرزندان این آب و خاک سرانجام آنچنانکه همواره زمان بار سنگین وظیفه ملی را بر دوش مردان وارسته روزگار می نهد، انجمن پادشاهی ایران پس از همه گویش های بایستنی و فراخوانی های پیاپی و پی گیر از کسانی که باید در این روزگاران پر تلاطم دستی راستین برای رهائی ایران بلند نمایند سرانجام به این نتیجه رسید که گویش زبان ایرانی برای بسیاری زنان و مردان برون مرز که روزگاری میهن را برای رها سازیش از دست دشمن ترک کرده بودند نشانه مسئولیت و احساس درد آنان بر دردهای بیکران ایران نیست .

ما بارها و بارها در نامه ها چه سر گشاده و چه غیر سر گشاده فرزند پادشاه از دست رفته محمد رضا شاه گرامی و ایرانیار را فرا خواندیم تا در این روزگاران پر هیاهو و اضطراب از تاریخ برای خود صفحه ئی نیک و برجسته را خریداری کند. او یکی از پدیده هائی بود که با بر خورداری از ویژگی آفرینشی خود می توانست این صفحه نیک را در همان سالهای نخستین آوارگی و دربدری مردم ایران از تاریخ خریداری کند، که نکرد .

گروهی به خطا می گویند لله و دایه ایشان شخصی بنام احمد اویسی راه را بر او بسته و نگذاشته ایشان درست گام بردارند، گروهی می گویند عناصر سازمان (سیا) وهرزگان سیاسی راه ایشان را کج کرده اند. وگروه های دیگری که واقعیت را گم کرده و نمیخواهند بدانند روزگار کشور ما بسیار بسیار دردناک است و هر کس به هر عنوانی نخواهد برای این آب و خاک با جان و مالش کار کند خود مقصر است ، بارگناه و بدکاری را از گردن فرزند پادشاه که او می توانست همه چیز باشد و همه کار بکند برداشته و شیخ علی شاه های مزدور و ناتوان را مقصر قلمداد میکنند .

تجربه ۲۴ سال آوارگی و بی سامانی ملت و میهن نشان می دهد که هر کس به هر سبب وانگیزه ئی نخواسته تا پای جان برای میهن و مردم گرفتارش کار کند امروز باید بکناری برود و بگذارد آنان که میخواهند این میهن و این مردم از شر جرسومه ۱۴ سده ئی اسلام و بلای بربریتش آزاد شوند گامهای رهائی بخشانه خود را آزاد زنانه و راد مردانه بردارند. زیرا تاریخ هرگز چشم براه زنان و مردان و استخاره گران تنبل ننشسته و نخواهد نشست، بلکه تاریخ همواره فرزندان خروشنده و جوشنده و کاردان و تیز هوش و خواستاران دگرگونی و تحول را به آغوش گرفته و در آغوش پرورانیده است. آنانکه نشسته اند هرگز با ایستادگان و ایستادگان هرگز با روندگان و روندگان هرگز با دوندگان و دوندگان هرگز با تیز تکان در پیکار زندگی برابر نبوده اند .

با اندوه باید گفت در ۲۴ سال گذشته نشستگان نالایق افسار شبذیز جنبش را در دست گرفتند و کار آزادی میهن را که در همان یکی دو سال نخستین می توانست پایان برسد به سال بیست و پنجم رسانیدند و کودک ناپاک زاده انقلاب مشترک جیمی کارتر و اتحادیه اروپا را به سن رشد آوردند ، که این بد کاری بزرگترین زیانهای آدمی و دارائی های ملی را به میهن ما و مردم وارد ساخت ، نه در یورش خونین اسکندر ، نه در یورشهای سهمگین و فرهنگ برانداز و خونخوارانه تازیان بربر و نه در یورش کشتارگرانه مغول و یا اشغال ایران در دوره متفقین نوین ، در هیچیک از این دردهای تاریخی هرگز دملی به عفوئت زائی و مرگ آفرینی و بد خیمی دمل کشتارگر ناجمهوری اسلامی بر پیکر مام میهن ما نمودار نشد .

زبان قلمها از بیانش عاجز ، و میدان تاخت و تاز اندیشه تمامی اندیشه وران جهان برای جایدادن این همه درد ورنج زائیده شده از انقلاب ننگین اسلامی بر روی کاغذ زمان کفاینده نیست . در چنین روزگار بحرانی انجمن پادشاهی ایران پیامهای پیاپی و بسیاری را به فرزند پادشاه ایران و همه آنان که دست اندرکار بازدارندگی رهائی میهن بوده و هستند فرستاده است ، همواره از همگان خواسته است که ایران ۸۰۰۰ ساله تنها باید با دست فرزندان خوب خودش ، فرزندان که تنها به ایران وابسته هستند آزاد شود .

در این ۲۴ سال دردناک به رضا فرزند پادشاه از دست رفته، به همه سران از میهن گریخته بیدار بیگانه دل بسته ، به قلم بازان متفنن ، به تمامی نظامیان و کار فرمایان از میهن گریخته ، رسماً پیام های آزاد منشانه ایران باید ایرانی آزاد شود فرستاده شده و بدست هایشان نیز رسیده است . اما در این یک چهارم سده دردناک همه این عناصر دردهای بیکران میهن را وسیله سرگرمی های سیاسی خود کرده اند نه یک درد که باید به درمانش پرداخت ، و نه دردی که اگر بیش از این طولانی شود میهن را به نیستی کامل خواهد کشانید .

از سوی دیگر ، بیگانگانی که چنین بلایی را بسر میهن ما و مردم فریب یار ما آوردند از دست آورد این نیرنگ جهانی شادمانند و هرگز در این اندیشه نخواهند شد که تحولی به نفع ایران و مردمش در میهن ما صورت پذیرد . آمریکا و غرب دست در دست یکدیگر داده و برای اشغال صددرصد منطقه و ازهم پاشیدن یگانگی قومی ایران و پاره پاره کردن سرزمین ما نقشه های شوم و اهریمنانه ئی را با دست ایرانی زبانان میراثداری به مرحله اجرا درآورده و درمی آورند . خطر نابودی میهن بیش از آنکه امید رهایی باشد شش گوشه نقشه پلنگینه ایران زمین آریابوم کهن ما را تهدید می کند . اما همه این خطرها ، همه این نابسامانی ها ، همه این دردها . میتوانند تنها با دست های توانمند فرزندان خوب ایران برطرف و مداوا شوند . و از همین روی انجمن پادشاهی ایران پس از اتمام حجت های بسیار و بی پاسخ مانده با کسانی که خود را میراثداران تاریخ میدانسته اند و با بهره گیری بد از میراث تاریخی خود تاریخ و سعادت مردم ما را به بیگانه فروخته و می فروشند ، دست بکاری که بایستی و بایستی و بایستی است زد و با شعار ایران باید آزاد شود و با اندیشه بایستی **آزادی از برخاستن ما** به دست می آید ، بر این شد تا آنچنانکه در هر زمانی از دوران پر گرفتاری و درد ملتها تک سوارانی برخاستند و تاریخ مردمی خود را گلباران کردند و جان و مال و آرام و خواب خود را برای بهزیستی مردم و میهنشان ارمغان دادند انجمن نیز اینچنین کند .

اما رهاسازی میهن در این دوران پر از شگفتی ها تنها نمی تواند به یک رهاسازی ساده و عادی و بعد هم به فراندوم های جعلی و برنامه های طرح ریزی از سوی بیگانگان پایان یا بد این میهن ۱۴ سده در اشغال اندیشه ئی بربری و ناسازنده بوده است و برای اینکه یکبار و برای همیشه بتوان آثار یکهزار و چهارصدسال اسارت را از میان برداشت و نیکبختی راستین را به فرزندان گرفتارش ارمغان نمود ، باید امروز که فرصتی شگفت پیش آمده است همه دردها را به گونه ئی ریشه ئی درمان کرد .

انجمن پادشاهی با بررسی ژرف در سیاست و تاریخ کهن و نوین میهن ، به این نتیجه رسیده است که انگیزه نخستین دردهای ویرانگرانه و بی درمان میهن از روزی آغاز شد که تازیان فرهنگ و خرد گسترده و پهناور ایرانیان را با کتاب سوزی اهریمنانه خود به نابودی کامل کشانیدند . و چون مردمی از فرهنگ و دانش مادری خود جدا شوند سر انجام از میهن و مردمیت خود بیگانه و به بردگی و ناتوانی قومی افتخار خواهند ورزید . از این روی انجمن پادشاهی ایران برای رفع این نخستین بیماری که بی فرهنگی و دشوارترین بیماری ملتها بشمار میرود بر آن شده است که دهش های فرهنگی و تاریخی را سر آغاز برنامه رهاسازی میهن قرار دهد .

به این معنا که جنگ افزار ویژه براندازی رژیم اسلامی که بازمانده بی چون و چرای تخیلات کشتارگر تازی و بربری می باشد ، چیزی نیست بجز بکارگرفتن فرهنگ و خرد بیکران ایرانی که خود بازمانده نیاکان دانش پژوه ما و اندیشمندان جهان ساز و هنرمندان تیزبین و هوشمند و خداوندگاران سازنده حقوق آدمی و اداره کنندگان آزادمشانه جهانی و سردمداران و دهندگان اقتصاد پویا و جوشنده و سازنده و برابر مردمی بوده اند و همه این ارزش های بیکران کار دستهای توانای خردمندان آریابومی آزاده پیش از پیدایش اسلام خون و شمشیر و مرگ و کشتار میباشند .

از این روی انجمن پادشاهی ایران نگرش ژرف و ویژه فرزندان این آب و خاک را از دارندگان و ناداران ، روستائیان و کارگران ، دهقانان و دهبانان ، دانشوران و بیبدانشان ، زنان و مردان ، پیران و جوانان به بندهای زیرین که تماماً از فرهنگ ایرانی گرفته شده و بعنوان بن مایه ئی برای دستور ویژه مردمی یا آئین ریشه ئی (قانون اساسی) ایران زمین در فرادای آزادی و پس از سرنگونی رژیم اسلامی تازی در نظر گرفته شده است فرا میخواند ، و از همه فرزندان این آب و خاک میخواهد تا بخاطر نیکبختی خود و خاندان و فرزندان و آیندگانشان این دستور ویژه مردمی یا (قانون اساسی) و آئین نامه ریشه ئی را بسیار بخوانند و درون بندهایش را حفظ کنند ، و پیرزنان و پیرمردان را که از آموزش و فرهنگ و نیروی خواندن بی بهره اند به درون بندهای این آئین نامه یا دستور ویژه مردمی

(قانون اساسی) آشنا سازند، تا آنجا که بیسوادان و ناآموختگان نیز درون بندهای این آئین نامه ریشه‌ئی یا قانون اساسی را همانند سواد آموختگان فراگیرند و شناسائی کنند.

ستون‌های این آئین نامه ریشه‌ئی بسیار ساده و بی‌پیرایه گردآوری شده است تا کارگزاران فرداهای میهن در آینده نتوانند با واژه‌ها بازی کنند و با پس و پیش ساختن حقوق مردم جامعه اندک گام کژی بردارند.

## بند نخستین

شیوه اداره ایران زمین یک پادشاهی آزاد انجمنی و رایزنی خواهد بود که بایستی است فرد فرد مردم در این پادشاهی از برابری آموزشی رایگان - اقتصاد همسان (سوسیال) آزادی‌های اجتماعی، آزادی کامل بیان و نوشتار و آزادی اندیشه و گزینش باور برخوردار باشند. (بی‌آنکه حکومت‌های ناتوان بخواهند به خاطر حمایت و دفاع از ناتوانی خود زیر هیچ شرایطی راه را بر این آزادی‌ها ببندند)

تبصره ۱- در ایران پادشاهی، پایه، استوار بر ریشه همسانی اقتصادی مردم می‌باشد که روستا نشین و شهر نشین، ایلات و کوه نشینان حتی کولیان و دوره گردان باید از این همسانی برخوردار شوند و از زندگی مرفه‌ئی که دولت بایست از سرمایه و صندوق ملی برایشان تأمین نماید بهره مند گردند.

تبصره ۲- دولت پادشاهی آزاد ایران وظیفه دارد برای همه کسانی که سرپناه ندارند خانه و سرپناه مناسب یک زندگی آرام و آسوده را، رایگان فراهم نماید.

تبصره ۳- دولت پادشاهی آزاد ایران وظیفه دارد برای مردم ایران آنان که ناتوان مالی داشته و بیکارند و درآمدی ندارند بی‌کم و کاست کمک‌های پزشکی و خدمات درمانی صد در صد رایگان و همسان با خدمات دارندگان فراهم نماید. (دارندگان نیز زمانی که دچار شکستگی مالی شده و بیکاری گریبانگیرشان گردیده باشد از خدمات دولتی نسبی برخوردار خواهند شد.)

تبصره ۴- دولت پادشاهی وظیفه دارد برای بیکاران که نمیتوانند وارد بازار کار شوند، پیرزنان و پیرمردان، بیماران و ناتوانان جسمی، از کارافتادگان، تازمانی که تشخیص داده شود نمیتوانند از بازار کار بهره‌گیری کنند پرداخت هفتگی یا ماهانه‌ئی که زندگی آنان را بخوبی اداره نماید از صندوق دولت در نظر بگیرد که کارشناسان و شمارگران کارآموده با بررسی وضع اقتصادی و تورم جامعه باید میزان این پرداخت هفتگی به بیکاران و نیازمندان را اندازه‌گیری کرده و در اختیار افراد جامعه بگذارند.

توضیح: این شیوه اداری اجتماعی نیز از فرهنگ ایران زمین در دوران شاهنشاه بهرام گور، شاهنشاه قباد و شاهنشاه انوشیروان و دیگر شهریان آزاده ایران زمین گرفته شده است تا امروز بتوانند فرزندان ایران را که پس از یورش و تداوم یورش تازیان که ۱۴ سده به درازا کشیده شده است، به نیکبختی برابر زیستن و اداره آزاد آریابوم شادمان و سربلند نماید.

چون نیک بنگریم از روزگار جمشید شاه، ایرانیان از پزشکی دولتی و رایگان برخوردار بوده‌اند. آنچنانکه در روزگاران جمشید شاه بزرگ این فرمان بسیار بهمانند برای درمان رایگان صادر شد:

در تندرستی و راه‌گزند

پزشکی و درمان هر دردمند

و در دوران شاهنشاه بهرام گور نخستین گام‌های یک پادشاهی آزاد و سوسیال برداشته شد.

ز گنج نهاده بیخشم چیز

کسی را که درویش باشند نیز

وزو چیز ماند ز اندازه بیش

کسی کو بمیرد نباشدش خویش

نبندم دل اندر سرای سپنج

بدرویش بخشم نیازم به گنج

در دوران شاهنشاه قباد وزیر او مزدک در هنگام خشکسالی و قحطی سخن از مشکل میگوید و راهنمایی میخواهد.

بدو گفت کانکس که مارش گزید  
یکی دیگری را بود پادزهر  
سزای چنین مرد گوئی که چیست  
چنین داد پاسخ ورا شهریار  
به خون گزیده بیايدش کشت  
همی از تنش جان بخواهد پرید  
گزیده نیابد زترياک بهر  
که ترياک دارد درم سنگ نیست  
که خونبست آن مرد ترياک دار  
بدرگاه چون خصمش آرد به پشت

سپس این آئین نامه صد در صد سوسیال و دهنده‌گی برابر دارانی های کشور به مردم جامعه برای نخستین بار بفرمان پادشاه قباد و در تاریخ درخشان پادشاهی ایران زمین صادر گردید تا جهانیان بدانند که مارکسیست ها و کمونیست ها این اندیشه جامعه ساز را از فرهنگ بزرگ ایران زمین ربوده و با دگرگونی هائی نه به شایستگی مرانامه اصلی ایرانیش آنرا بنام خود ثبت کرده اند .

همی گفت هرکو توانگر بود  
نباید که باشد کسی برفزود  
جهان راست باید که گردد به چیز  
تهی دست با او برابر بود  
توانگر بود تار و درویش پود  
فرونی توانگر حرام است نیز

بیش از یکهزار و هفتصد سال پیش از این ، ایرانیان طراحان یک سیاست دارائی (اقتصادی) برابر بوده اند ، که پس از یورش تازیان آثار آن ناپدید شد و امروز نیز باید که پس از محو آثار تازیان و آزادی دوباره میهن و زدودن رژیم اسلامی تازی، این آئین سازنده با یک سیستم نوین پادشاهی به همراه نگرش ژرف اقتصادی و پایه هائی استوار و درست و بهره گیری همه مردم از سرمایه های مردمی در ایران نوین دوباره سازی گردد که این دوباره سازی، بازسازی دوران درخشان زندگی مردم ایران بشمار میرود . و در عصر نوشیروان بزرگ سخن بزرگمهر دانا نیز تا به آنجا میرسد که میگوید:

نباید که خسبد کسی دردمند  
که آید مگر شاه رازو گزند

بموجب این بند از آئین کهن ایرانی ، دولت باید برای هر یک تن از مردم میهن ما ، در آمد کافی و پزشکی و خانه رایگان و رفاه شایسته فراهم نمایند تا هیچکس دردمند سر بیالین نگذارد که اگر چنین شود شاه که نمودار دهنده‌گی به مردم و اداره یک ملک و رمز دولت بشمار میرود سرنگون خواهد شد .  
دنباله بندهای این آئین نامه ریشه ئی یا قانون اساسی از اینگونه هستند .

## بند دوم

بازگردانی فرهنگ مردمی ایران پیش از اسلام به جامعه که ویژگی های این فرهنگ با آمیزش دین و اداره امور کشور بهیچوجه هماهنگی ندارد . دین اندیشه و باوری است ویژه درون هر آدمی ، که اگر برخوردار از اندیشه نیک و گفتار نیک باشد ، دارنده این باور به سوی نکوئی گام برمیدارد و بخود یاری میدهد و اگر اهریمنی و کشتارگرانه باشد خود آن آدمی را به نیستی فرا میخواند . هنگامی که باور یا دین درون پردازی و فردی باشد نخواهد توانست اداره امور میهن و مردم را آلوده و گرفتار کند و اگر فرد دارنده باور بد، بخواهد بگونه ئی انفرادی در جامعه مرتکب بزهی گردد برابر با آئین ویژه بزهکاران با او رفتار خواهد شد. بنابراین هنگامیکه دین یک مسئله درون باوری و انفرادی باشد جامعه و همگان از خطر بدخیمی آن در امان خواهند ماند و زیان بدخیمی آن متوجه بدخیم و بزهکار خواهد شد .

فرهنگ ایرانی با نگرش به بیش از شش هزار سال پیش تاریخ خود نمونه ئی از اداره سرزمین، و برحذر داشتن جامعه از خطر دین مردان را ارائه داده است . ما این بند را که تجربیات سیاسی و اجتماعی کشورهای پیشرفته جهان امروز نیز به اثباتش رسانیده

است ، از زبان خداوندگار خرد همه جهانیان فردوسی بزرگ با نگرش به قانون جمشیدی در این بخش ارائه می‌دهیم تا جهانیان بدانند که فرهنگ بیش از شش‌هزار سال پیش آریابوم ما بسیار خردمندانه تر از تجربیات سیاسی امروزه آنان می‌باشد .  
جمشید شاه بزرگ پس از اینکه دسته ها و رده های جامعه خود را آراست هنگامیکه به مردان دین رسید آنان را از جامعه و میان مردم دور کرد تا تنها به پرستش جهاندارشان پردازند و سیاست جامعه را آلوده نمایند.

زهر پیشه ور انجمن گرد کرد	بدین اندرون سال پنجاه خورد
گروهی که کاتوزیان خوانیش	برسم پرستندگان دانیش
جدا کردشان از میان گروه	پرستنده را جایگه کرد کوه
بدان تا پرستش بود کارشان	نوان پیش روشن جهاندارشان

## بند سوم

### فردای میهن از دیدگاه اقتصادی

دهش برابر حکومت به مردم یکی از مهمترین ستونهای سازنده کشور ماست که باید زندگی مردم و فرزندان آینده کشور را با یک نگرش ژرف از هم اکنون و تا جاودانگی تأمین و پاسبانی کند ، فردای میهن که بیگمان به فردای رهائی و سرنوشتی رژیم انیران اسلامی بستگی همه سویه دارد ، و از همان دم آغاز میگردد که مردم ایران با گزینش فرهنگ سازنده نیاکانی خود و بازگشت به ایرانیت و رهائی و ترک بازمانده تازیان و تبار و اندیشه شان رژیم کنونی ملایان را سرنگون خواهند نمود . از همان دم دولت انجمنی رایزنی (شورائی) پادشاهی موقت باید شیوه برابری ایرانیان را در هر گوشه کشور که هستند از نظر دارائی های ملی پی ریزی نماید ، و با گزینش یک تیم متخصص در ایجاد و طرح یک پادشاهی سوسیال و آزاد و تجربه شده مانند کشورهای سوئد و انگلستان و پاره ئی از کشور های پیشرفته اسکاندیناوی ، اما آمیخته با برتری ها و ویژگی های فرهنگ مردمی ایران زمینی، اقتصاد سوسیال و آزاد (دموکراتیک) را در سرتاسر میهن به کار گیرند .

این اندیشه پیش رفته از فرهنگ مردمی ایرانی گرفته و مورد بهره گیری قرار خواهد گرفت :

در دوران شاهنشاه قباد ساسانی (نزدیک به هفده سده پیش از این) چنین اندیشه ئی ارائه شد که فردوسی گرامی آن را با بیانی پالایش یافته از آرایش اینچنین بازگو مینماید :

همی گفت هرکو توانگر بود	تهی دست با او برابر بود
نباید که باشد کسی برفزود	توانگر بود تار و درویش پود
جهان راست باید که گردد به چیز	فزونی توانگر حرام است نیز

بنا بر این اندیشه و روش ایرانی باستانی در برابری اقتصادی ، انگیزه و کشنده نیازمندی های روزمره مردم سرتاسر کشور و جامعه و سرانجام درهم کوبنده آئین های بی سروته ناتوان و نیازمند سازه زائیده و زاینده نیازهای روانی و سازنده روش های نادرست افروختن شمع برای هر بی بهاء، و روضه خواندن و نذرهای بیهوده کردن خواهد بود . زیرا بیگمان در زیر پوشش یک اقتصاد سالم و برابر دیگر هیچ کس نیازی نخواهد داشت که برای دست یافتن به لقمه ئی نان و خواسته ها و بایستی های اجتماعی به سوی روضه خوانان و سرکتاب بازکن ها و جادوگر ان و جن گیر ها برود ، و از آغاز اینچنین فردائی بی اینکه آشکارا از مردم بخواهیم تا از روش و مرام خرافات پرور و دانش کش تازی دوری گزینند ، آنان که دیگر دولتشان نقش خدای دهنده را برایشان بازی خواهد کرد ، از آن پس نیازی به کرامت الله و گریستن و زاری کردن برای شخصیت های دروغین تازیان کشتارگرش نخواهند داشت و

به اینگونه و از راه ایجاد یک اقتصاد نیاز برانداز در جامعه ، فرزندان میهن ما بجای گرائیدن به باطل و از بیگانه دشمن بت ساختن ، به ساختن جامعه و آینده و رونق فرهنگ و خرد مردمی و ایرانی خود خواهند پرداخت .  
در هنگام شهریاری شاه شاهان نوشیروان ، توانائی دارائی و اقتصادی مردم ایران به آنجا رسیده بود که فردوسی توانا این توانائی و دارندگی مردمی را انگیزه سرازیر شدن سیل دیگر ملتها برای دست یافتن به زندگی بهتر به ایران زمین می خواند :

جهانی به ایران نهادند روی	برآسوده از درد و از گفتگوی
به ایران، زبان ها بیاموختند	روان ها به دانش برافروختند
ز بازارگانان هر مرز و بوم	ز ترک و زچین و زهند و زروم
هر آنکس که از دانش آگاه بود	ز گویندگان بر در شاه بود
رد و بخرد و موبد و ارجمند	بداندیش، ترسان ز بیم گزند

اما برتر و بالاتر از اینهمه وارستگی و شادزی گری و نیک بختی که برآسمان سرزمین گسترده ایران زمین سایه افکنده بوده است ، شیوه اداره این سرزمین پهناور بوده که با آوای بلند میتوان گفت حتی در این روزگاران که اسب تیزتک تکنولوژی و خرد کشورهای مدعی خدمات مردمی توانسته است تا هزاره سوم زادروز مسیح به پیش بتازد ، بازهم پیشرفته ترین مردم جهان به اندکی از آنهمه دادگری و مردمیت ایرانیان پیش از یورش تازیان دست نیافته اند .

بامدادان آواگران و جارچیان درمیان مردم میخروشیده و فریاد سرمیداده اند که اگر کارگری برای کسی کارکرده و دستمزدش را دریافت نداشته است به دربار پادشاه بیاید و از گنجور ویا وزیر پادشاه ویا صندوق دولت ، دستمزدش را دریافت نماید و این درحالی است که هم اکنون درپیشرفته ترین کشورهای جهان اینگونه درگیری های کارگر و کارفرما به دادگاههایی که سرنوشت خواسته کارگران ناپیداست کشیده می شود .

چو خورشید گیتی بیاراستی	خروشی ز درگاه بر خاستی
که ای زیر دستان شاه جهان	مدارید یکتن ، بد اندر نهان
هر آنکس که از کار دیدست رنج	بیابد به اندازه گنج رنج
بگوئید یکسر به سالار بار	که از ما کند مزد را خواستار

بند بیانی ۱ - اگر به انگیزه هائی مانند ورشکستگی کارگاهها و یا ناتوانی کارفرمایان ، ویا فروپاشی دارائی کارفرما، کارخانه دار ویا کارفرمائی توانائی پرداخت دستمزد کارگران را نداشته باشد دولت پادشاهی آزاد ایران باید بلافاصله دستمزدهای پرداخت نشده آن کارگران را از صندوق دولت پرداخت نموده و از درآمدهای آن کارگاه ویا کارخانه ویا دیگر دارائی ها و منابع مالی آن کارفرما مبالغ پرداختی را دریافت نماید .

## بند چهارم

### فردای میهن از دیدگاه فرهنگی

این بخش از آئین نامه نیز که همبستگی کلی و جدانشدنی با بند فردای اقتصاد میهن دارد ریشه و ستون نگهدارنده و پایدارنده زندگی مردم ایران از هر سوی و از هر دیدگاهی بشمار می رود . فرهنگ والا و برتر آریابومی که گستراننده خرد و اندیشه بی همانند سیاسی و اقتصادی و فلسفه و مردم داری و جامعه شناسی و جهان بینی می باشد ، راه راستین و درست اداره اقتصادی سرزمین مارا به عنوان یک شیوه اقتصاد اجتماعی برابر و سوسیال به جهانیان نموده است و در درازای قرون با نفوذ این فرهنگ از

راه دور زندگی آنان را باز سازی کرده و امروز پس از گذشت سده های دراز ما خود ناگزیر باید برای نیکبختی فرزندان و آیندگانمان از آن آوای رسای فرهنگی بهره گرفته و پایه های اقتصاد نوین میهن را بر روی پیکر ه زیبای همین فرهنگ اقتصادی نیاکانی خود بنا کنیم .

اسناد تاریخی و فرهنگی که در دست است با دلاوری و آشکارا میگوید ، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام فرهنگ پویندگی - جویندگی - کوشندگی - خردمندی - خردپرووری - خردگستری - خرد جوئی - خرد خواهی - خرد زائی - خردمندی و خرد منشی ، داد راستی ، و دانش و فرهنگ گسترتری در سرتاسر گیتی و جهان آدمیت بوده است .

آنان که همواره سخن از دانشمندان و فرهنگمردان بیگانه بر زبان می رانند و جامعه شناسی و جامعه سازی فرهنگ پدر را که فرهنگ ایرانی می باشد ندیده می انگارند بیگمان از این گنجینه مورد ستم تاریخ قرار گرفته ( فرهنگ بیکران خودی ) ناآگاهند ، پایه و ستون آئین ریشه ئی و یا قانون اساسی پادشاهی آزاد ایران از فردای آزادی بیگمان باید بر روی این گنجینه گران بها گزارده شود .

تبصره ۱ - آموزش رایگان و برابر برای همگان در سطح کودکستان و مدرسه و دبیرستان و دانشگاه و سطوح بالاتر از اینها یکی از ریشه ئی ترین نمودارها و پایه های قانون اساسی و یا آئین ریشه ئی اداری پادشاهی آزاد ایران در فردای آزادی میهنمان خواهد بود . این گونه آموزش رایگان که به همت و یاری برابره دولت میباشد شامل مناطق گوناگون کشور و گویندگان زبانهای اقلیت و بومی ایرانی نیز خواهد شد .

تبصره ۲ - داد و دهش های فرهنگی بادیگر ملت های جهان برای گسترش این فرهنگ توانمند می تواند در ابر قدرتی فرهنگی و سرانجام آزادی و تمامیت خاک میهن ما یاری بسیار دهد . ما تا از دیگران نستائیم از ما چیزی نخواهند گرفت ، در نتیجه در تبادل فرهنگی ، ما همواره کالای ضعیف تر دیگر ملت ها را می گیریم و کالای نیرومند و بلند بالای فرهنگ ایرانی را به دیگر ملت های جهان خواهیم داد ، با این وسیله دیگر ملت های جهان را به ایران دوستانی تبدیل خواهیم نمود که با گزینش فرهنگ ایرانی ، ایران را میهن دوم و پایگاه اندیشه و جولانگاه خرد خود بدانند ، در نتیجه از راه گسترش این فرهنگ و الاتبار خواهیم توانست در وجدان دانایان کشورهای بیگانه راه یابیم و از همین جایگاه است که چون مغزهای بزرگان و خردگرایان بیگانه در کمند محبت فرهنگ ایرانی فرو افتند ، ما به عنوان ابر قدرت فرهنگی جهان می توانیم به ابر قدرتی اقتصادی و مالی و سیاسی نیز دست یابیم که این شیوه خود نیز بخشی از فرهنگ بلند بالا و رسای ایرانی بشمار میرود .

## بند پنجم

### فردای میهن ، سیاست درون مرزی

این بند از آئین ریشه ئی اداره کشور و یا طرح نوین قانون اساسی نیز از اهمیت ویژه ئی برخوردار است .

پیکره ریشه ئی کشور از یک انجمن رایزنان (مجلس شورا) - یک نخست وزیر و گروه کشورداران (انجمن های وزیران = انجمن های گنجوران) و یک پادشاه و مردم آب و رنگ خواهد یافت که اداره ملک از نظر فرهنگی - اقتصادی - سیاسی - اداری - طرح و برنامه ریزی - اجرائی - دادرسی - (قضائی) و همه امور اداری کشور از این سه منبع شاخ و برگ خواهد گرفت ، که از نظر اهمیت کلی این سه ریشه ، و به ترتیب میزان اهمیت هائی که آنان برای ایران فردا دارند بندها و تبصره هایشان مطرح گردیده است : مهمترین ریشه از این سه ریشه ، انجمن رایزنان و یا پارلمان و یا مجلس شورا میباشد .

تبصره ۱ - برگزیدگان انجمن رایزنی ، نمایندگان مردم در برابر مشکلات و خواسته های اجتماعی مردم هستند و از آنجا که در ایران آزاد فردا باید همه چیز در حفظ حقوق مردم گام بردارد ، در نتیجه نمایندگان انجمن رایزنان از ویژگی و اهمیت برتر و بالاتری برخوردار خواهند بود .

بند بیانی ۱ - نمایندگان انجمن رایزنان باید از ریشه و از سوی پدر و یا مادر ایرانی و کاملاً از فرهنگ ایرانی برخوردار باشند .

بند بیانی ۲ - نمایندگان انجمن رایزنان می توانند از فرزندان ایرانی که مادر و یا پدر غیر ایرانی داشته باشند نیز برگزیده شوند اما به شرطی که در ایران بزرگ شده و در میهن نیز تحصیلات خود را به پایان رسانیده باشند و دوران بودن آنان در خارج از کشور از سالی یکماه بیشتر نبوده باشد .

تبصره ۲ - هیچ تفاوتی میان زن و مرد ، در هیچ یک از شئون اداری میهن آزاد فردا و جود نخواهد داشت و زنان نیز می توانند چنانچه برخوردار از فرهنگ نمایندگی انجمن رایزنی باشند به نمایندگی انجمن رایزنان برگزیده شوند .

بند بیانی ۳ - نماینده انجمن رایزنان باید بنا به فرمان فرهنگ ایران خردمند و دانش پژوه باشد زیرا ایران فردا ، ایران خرد و فرهنگ است و در چنین میهنی اداره کار و سرنوشت مردم نباید در دست نا آگاهان و بیخردان قرار گیرد . فرمان فرهنگی ایران زمین در این پیرامون این چنین است :

بدانگه شود تاج خسرو بلند  
که دانا بود نزد او ارجمند  
بنادان اگر هیچ روی آوری  
سر تخت خود زیر پای آوری

برای بالا بردن زندگی فرهنگی - سیاسی - اقتصادی و اجتماعی که بالا بردن تاج خسروی و یا کارهای کشور پادشاهی و سرانجام بالا رفتن رفاه و آسایش مردم را دربر خواهد داشت ، باید که نمایندگان مردم از دانایان ارجمند باشند و هیچ کس نباید رأی خود را به نادانان و کارناشناسان بدهد ، فرهنگ خرد پرور آریابومی میگوید :

بنادان اگر هیچ رای آورد  
سر تخت خود زیر پای آورد

اگر رای دهنده رأی را به نادان بدهد دولت را که زندگی خود او بخشی از آن دولت است سرنگون خواهد نمود ، و به هیچ وجه نباید به نا آگاهان و بیخردان رای دهد .

بنادان اگر هیچ رای آورد  
سر تخت خود زیر پای آورد

بند بیانی ۴ - در کشور پادشاهی آزاد ایران به همان اندازه که گزینش گیرنده و یا نماینده انجمن رایزنان دارای اهمیت و ویژگی چشمگیری می باشد و باید از ویژگی های خردمندانه ئی نیز برخوردار باشد ، رأی دهنده و گزینش کننده نیز از همین اهمیت برخوردار می باشد و تازمانی که کسی از آگاهی و خرد اجتماعی کافی برخوردار نباشد نمیتواند از دادن رأی و گزینش گزینش شوندگان برخوردار شود .

بند بیانی ۵ - رأی دهندگان باید از باسوادان و یا آموختگان جامعه باشند ، و اگر سواد کافی برای درک اهمیت رأی نداشته باشند باید برابر بنود بیانی آینده با آنان رفتار شود .

بند بیانی ۶ - سن کسانی که برای نمایندگی مردم برگزیده خواهند شد نباید از ۲۶ سال اندک باشد .

بند بیانی ۷ - نمایندگان انجمن رایزنان در دوران خدمتشان از مصونیت کامل سیاسی برخوردار خواهند بود و برای گفتن همه بایستنی ها در انجمن و در رسانه های گروهی آزادی کامل نیز دارد .

بند بیانی ۸ - هر نماینده ئی حق دارد برای ارائه و گفتن مطالب بایستنی هرگاه از هفته و ماه را که صلاح بدانند در رسانه های گروهی حضور یابد و در این پیرامون نباید برای او از سوی رسانه های گروهی کشور کوچکترین راه بنادان و مانعی وجود داشته باشد .

اگر نماینده ئی در دوران نمایندگی مرتکب خطائی شود نخست باید این خطا به مردم بخشی که او را به نمایندگی انجمن رایزنان برگزیده اند گزارش شود ، آنگاه انجمنی از سوی رأی دهندگان او را مورد پرسش قرار دهند و پس از بررسی و پرسش برای کوتاه مدت آراء خود را او باز پس بگیرند و او بی درنگ به مقامات دادخواهی سپرده شود تا برابر آئین دادگری در کوتاه مدت

مورد پرسش دادگران دولتی قرار گیرد. و اگر خطا کار تشخیص داده نشود بی درنگ به کار نمایندگی خود بازگشت نموده و در صورت بزهکار بودن به کیفر بایستنی برسد.

تبصره ۳ - در صورتی که نماینده ئی در دادگاه بزهکار شناخته شود انجمن رایزنان باید بی درنگ در استان ویا بخش آن نماینده، گزینش مردمی براه اندازد (انتخابات) و نماینده دیگری را که از سوی مردم برگزیده خواهد شد به جانشینی نماینده و یا وزیر بزهکار، به کار برگمارد.

تبصره ۴ - هیچ نماینده ئی تازمانی که ریسمان گزینش مردم را در گردن دارد (نماینده مردم است) نباید به دادگاه و یا دادگستری فراخوانده شود، زیرا که به دادگاه فراخواندن او همانند دادگاهی شدن هزاران تن رأی دهندگان به او می باشد.

بند بیانی ۹ - اگر نماینده انجمن رایزنان بخواهد به پاس نگرهبانی از حقوق اجتماعی رأی دهندگانش از هرمقامی به دادگاهی مراجعه و درخواست دادخواهی کند، دادگاه باید در کمتر از ۴۸ ساعت مطلب ارائه شده او را بررسی و نتیجه را در یک رسانه درجه نخست به مردم آگاهی دهد.

بند بیانی ۱۰ - اهمیت یک نماینده مردم بهیچوجه اندک از اهمیت نخست رایزن (نخست وزیر) نخواهد بود زیرا او امانت دار اندیشه و رأی مردم بخشی از میهن و نگرهبان منافع آن مردم و سرانجام بخشی از آبادانی میهن به اندیشه های کارساز او وابستگی خواهد داشت.

## بند ششم

### گنجور سراها (وزارتخانه ها)

وزارتخانه ها و ارگان های اداری کشور به ترتیب زیر نظر سه نیروی ریشه ئی میهن : انجمن رایزنان - نخست رایزن و پادشاه اداره خواهند شد.

وزارتخانه هائی که زیر نظر انجمن رایزنان ویا پارلمان اداره خواهند شد به ترتیب زیر آمده اند.

۱- وزارت پدافند (دفاع) و جنگ افزارسازی.

۲- وزارت پاسبانی از آرامش و داد در کشور (اطلاعات و امنیت کشور ایران).

۳- وزارت کشور.

وزیران این سه وزارت خانه بگونه ئی انجمنی و گروهی و از سوی اکثریت نمایندگان انجمن رایزنان از سه یا ۵ تن و ازمیان خود نمایندگان انجمن رایزنان برگزیده خواهند شد و تنهائیک وزیر اداره این وزارتخانه هارا در دست نخواهد گرفت (وزیران انجمنی و ۵ تن خواهند بود)

تبصره ۱ - دوران خدمت (گنجوران) وزیران انجمنی تشکیل شده از نمایندگان انجمن رایزنان برای وزارت خانه های دفاع و جنگ افزارسازی - وزارت اطلاعات و امنیت و وزارت کشور سه سال خواهد بود.

تبصره ۲ - دوران خدمت وزیران (گنجوران) انجمنی وتشکیل شده از نمایندگان انجمن رایزنان برای این وزارتخانه و هر وزارتخانه دیگری در صورت درست عمل کردن آنان بیش از سه سال نخواهد بود و در صورتی که انجمن رایزنان که نماینده مردم هستند ویا خود مردم دریابند که یکی از وزیران انجمنی آنچه شایسته عملکرد در دولت پادشاهی آزاد ایران می باشد عمل نکرده است، فوراً با رایزنی انجمن رایزنان برای آن وزیر جانشینی چه از نمایندگان انجمن رایزنان و چه از انجمن های ویژه دیگر برگزیده خواهد شد و وزیر بدکار تنها به عنوان نماینده انجمن رایزنان (پارلمان) یا مورد پرسش قرارخواهد گرفت و یا برابر آئین نامه شایستگی نمایندگان بکار خود ادامه خواهد داد.

بند بیانی ۱: انجمن رایزنان حق دارد هر وزیر بد کرداری را مورد باز پرسى (استيضاح) قراردادده و در صورت بایستنى بودن او را از کار برکنار و انگیزه بدکردارى و برکنارى او را دریک رسانه درجه نخست به مردم گزارش دهد و نیروى برگزیده و شایسته دیگری را به جایش بگمارد .

بند بیانی ۲: انگیزه سر پرستی انجمن مردمی رایزنان از سه (۳) وزارتخانه پدافند(دفاع ) و جنگ اقرارسازی - وزارت پاسبانی از آرامش و داد در کشور (وزارت اطلاعات و امنیت کشور) - وزارت کشور ، از این روی می باشد که درکشور پادشاهی آزاد ایران برای هرگونه اعتراضات همگانی (عمومی ) و هم آیش های اعتراض آمیز مردمی نباید هیچگونه سد و مانعی درکار باشد و باید شکنجه و دستگیری و آزار مردم از فرهنگ سیاسى ایران زمین نابود و ناپدید گردد .

## بند هفتم

### رهبری سیاسی کشور

در آئین پادشاهی آزاد ایران بیشترین رهبری سیاسی پس از مجلس رایزنان در دست نخست رایزن (نخست وزیر) کشور پادشاهی آزاد ایران خواهد بود.

تبصره ۱: وزیران انجمنی وزارت خانه های خارجه ۲- وزارت انجمنی بازرگانی ۳- وزارت انجمنی دارائی و خزانه داری ۴- وزارت انجمنی طرح و برنامه ریزی کشور ۵- وزارت انجمنی کار و کوشش مردمی و دیده بانی بر بیکاری در کشور ۶- وزارت انجمنی امور سازندگی و برابری خدمات در شهر و روستا از سوی نخست رایزن (نخست وزیر) و از میان انجمن های شهر و روستا برگزیده و به انجمن مردمی رایزنان معرفی خواهند شد تا انجمن مردمی رایزنان پس از بررسی صلاحیت آنان به این وزیران رأی پذیرش دهد (رأی اعتماد) و وزیران نامبرده کار خود را برابر آئین های کشور آغاز نمایند.

تبصره ۲- زمان و دوران وزارت برای هیچ یک از وزیران انجمنی نباید بیش از سه سال باشد مگر اینکه در اثر نیک کرداری یک تن و یا یک گروه از وزیران انجمنی تداوم خدمت آنان بایستنی شناخته شود، در اینچنین هنگامی برای ادامه کار آنها درسمت وزارت انجمنی، باید از مردمی که واجدان گزینش هستند همه پرسى به عمل آید و مردم به تداوم سه سال کار افزون آن وزیر و یا وزرای انجمنی رأی مثبت دهند.

تبصره ۳- در آئین ریشه ئی (قانون اساسی) پادشاهی آزاد ایران همواره سخن و رأی و دیدگاه نخستین از دهان مردم آگاه ایران شنیده خواهد شد.

بند بیانی ۱- نخست رایزن (نخست وزیر) از میان نمایندگان انجمن رایزنان که نمایندگان برگزیده راستین مردم هستند و با رأی نمایندگان انجمن رایزنان برای یک دوره چهار ساله برگزیده خواهد شد.

تبصره ۱- پنج تن از کسانی که در گزینش مردمی (انتخابات) برای ورود به انجمن رایزنی بیشترین رأی مردم را به دست آورده اند می توانند از میان نمایندگان انجمن رایزنان خود را برای سمت نخست رایزنی کاندید نمایند، این ۵ تن ممکن است از سردستگان گروههای آزاد (حزبها) و یا از نمایندگان آزاد و نا وابسته به گروهها باشند. که پس از برگزاری گزینش در میان نمایندگان انجمن رایزنان، و پس از به دست آوردن بیشترین رأی نمایندگان انجمن رایزنی به سمت نخست رایزن کشور پادشاهی آزاد ایران برگزیده خواهند شد.

تبصره ۲- اگر چه گزینش وزارتخانه های انجمنی پدافند (دفاع) و جنگ افزار سازی و وزارت پاسبانی از آرامش و اداره کشور (وزارت اطلاعات و امنیت) و وزارت کشور زیر نظر مستقیم نخست رایزن نمی باشند، اما نخست رایزن میتواند در صورت مشاهده بد کرداری و نادرستی از سوی این وزارتخانه های انجمنی، وزیران انجمنی این وزارتخانه ها را در انجمن رایزنان مورد پرسش (استیضاح) قرار دهد و بیگمان در چنین شیوه اداری کشوری، انجمن رایزنان از همراهی نخست رایزن با انجمن رایزنان سپاسمند نیز خواهد شد.

بند بیانی ۲- نخست رایزن می تواند در تمامی وزارتخانه ها نظارت داشته باشد اما در تغییر و دگرگونی وزیرانی که در شمار کادر او نیستند نمیتواند مستقیماً گام بردارد و تنها با ارائه انگیزه آشکار می تواند آن وزیر انجمنی و یا انجمن وزیران را در برابر نمایندگان انجمن رایزنان که رمز مردم هستند قرارداده و به پرسش (استیضاح) فرا خوانی نماید، در صورت به دست آمدن بیشترین رأی در بد کردار بودن آن وزیر انجمنی و یا آن گروه از انجمن وزیران بد کرداران باید از کار برکنار و برای آنان جانشین بایستنی و شایسته برگزیده شود.

بند بیانی ۳- در آئین ریشه ئی کشور پادشاهی آزاد ایران، گروهها و دستجات (احزاب) می توانند از آزادی کامل فعالیت های سازنده اجتماعی و سیاسی برخوردار شوند و میتوانند در گزینش نمایندگان خود برای انجمن رایزنان و بهبود زندگی مردم و دست

یافتن به تشکیل دولت ، در صورت داشتن بیشترین آراء مردم پیشنهادات سازنده ئی را که میتواند در بهبود زندگی جامعه آورنده دستاورد های پر بار و بری باشند ارائه دهند ، و تنها در صورتی که برای مردم روشن گردد که گروه یا دسته ئی (حزبی) با بیگانگان وابستگی دارد انجمن رایزنان باید با انجام یک همه پرسی درونی (از نمایندگان انجمن) و به دست آوردن بیشترین شمار آراء نمایندگان انجمن ، آن گروه و یا دسته (حزب) را از صلاحیت انجام کارهای سیاسی در جامعه بی بهره سازد .

بند بیانی ۴ - دولت و یا نخست رایزن از سوی دستجات ( احزاب) برگزیده نخواهد شد مگر آنکه آن گروه و یا دسته (حزب) بتواند در انجمن رایزنان بیشترین آراء را ویژه خود سازد (نخست رایزن با رأی نمایندگان مردم و از سوی نمایندگان انجمن رایزنان به این سمت برگزیده خواهد شد)

بند بیانی ۵ - در آئین پادشاهی آزاد ایران بر عهده انجمن رایزنان و مردم است که احزاب خائن و کسانی را که به نفع بیگانگان گام برداشته اند برای همیشه از انجام کارهای سیاسی ، مردمی و اجتماعی محروم نموده و به کیفر برساند.

## بند هشتم

### پادشاه

واژه پادشاه در فرهنگ مردمی و باستانی ایرانیان از درون مایه نکوئی - نکو کرداری - مردمی و مردم گونگی - برای مردم و با مردم بودن - برای مردم زیستن - مهر اهورائی - مهربان خردمند - پا سبان دلسوخته - نگهبان و پدافند مردم - نگهبان فرهنگ مردم - گستراننده خرد و دانش راستین مردمی - سرمایه مردم در روزگاران سخت و دشوار ، برخوردار است ، از این روی در همین فرهنگ اگر چه نام دیگر خداوند پادشاه و واژه پادشاه نیز از درون مایه خداوند برخاسته است اما پادشاه را سایه خدا نیز خوانده اند . آنگاه که فردوسی گرامی پیام آورانی را که سخن از مهر گفته اند از رویه مهر و نکوئی به کیفرگاه نگرش فراخوانده ، آنان را رویه دوم واژه پادشاه نام گذارده است ، آنچنان که موبد به ماهوی سوری میگوید :

چنین دان که شاهی و پیغمبری      دو گوهر بود در یک انگشتی

درفهنگ و خرد ایرانی پادشاه رمز همه راستی ها و مردمیت ها بشمار میرود واز همین انگیزه است که فرهنگ آریابومی منش و آئین نامه ویژه ئی را برای پادشاهان بایستی می داند :

زبان راستگوی ودل آزرمجوی      همیشه جهان را بدو آبروی  
سخنگوی وروشن دل وداد ده      کههان را به که دارد و مه به مه

در ایران زمین پادشاه همواره رمز نگهبانی از مردم و همبستگی مردمی در برابر یورش های گرگان بیگانه و یا از هم پاشیدگی های درون مرزی بوده است و در بلندای این تاریخ نیز این پادشاهان بوده اند که خود برای نگهبانی از هستی مردم و یکپارچه داشتن ایلات و خانواده های اقلیمی کشور فرهنگمندان و کدخدا منشانه گام بر می داشته اند و برای پاسبانی و نگهبانی از سرمایه های مردمی و جان مردم پیشتاز سپاهیان و همچون سپری استوار راه را بر دردهای مردم بسته و در پیشابیش دیگر مردان از مردم و فرزندان مردم خود پدافندی نموده اند ، از همین روی بوده است که خداوندگار رهبری جهانی کورش بزرگ برای پدافند مردمش درنبرد با ، سکاها ، جانش را از دست می دهد - داریوش سوم در پیشابیش سپاهیان خود بانیرنگ خودی های مردم ستیز جان می بازد - نوذر شاه کیانی در نبرد با ترکان تورانی جان خود را در پیشابیش سپاهیان از دست می دهد - یزدگرد سوم برای نگهبانی ازهمین مردم تنها و بی همراه ، بی یاور خسته و فرسوده و با پیکری پر از زخمهای رهاورد نبردهای پیگیر ، به دست و با خنجر بی فرهنگی و ناآگاهی خودی جانش را از دست میدهد . یعقوب لیث و نادر افشار نیز هرگز برای گسترش آرمانهای مردمشان درپشت

سر مردم نایستادند تا مردمشان جان بیازند و آنها جان بدر برند ، و از همین روی بوده است که چون شاهان جان خود را سپر نگهداری و پدافندی از مردم قرار میداده اند ، واژه پادشاه از آنهمه مغزه های دلپسند و درخور گرامی داشت برخوردار گردیده است . اکنون بنگریم که در آئین ریشه ئی کشور پادشاهی آزاد ایران بایستی هائی که بر پادشاهان است چه می باشد .

چنین گفت کز خسرو دادگر      نیچید باید به اندیشه سر  
که او چون شبان است وماگوسفند      وگر ما زمین او سپهر بلند

بند بیانی ۱ - شاه نقش سپری بزرگ را دارد که راه را بر دردهای اجتماعی مردمش خواهد بست ، به فرمان تاریخ و فرهنگ ایران زمین شاه باید خردمند باشد ، دلاور باشد ، دهشمند باشد ، هوشمند و توانا باشد و برای نگهداری از حقوق مردمش نقش پدافندی جانبا را برعهده گیرد ، شاه به فرمان فرهنگ آریابومی باید راستگو باشد ، دل و زبانش یکی باشد ، و مردم را از همه نا رسائی های جامعه آگاه سازد.  
آئین نامه بهرام گور :

همان راست داریم دل با زبان      زکزی و تاری بیچم روان  
جهان را بدارم به رای و به داد      چو ایمن کنم باشم از داد ، شاد

شاه باید آنچه را مردان دولت و وزیران و رایزنان انجمنی ، بامردم در میان نمی گذارند ، با آنها در میان گذارد ، اگر یکی از زنان و یا مردان انجمن رایزنان - یکی از امیران و کارداران کشور - یکی از وزیران انجمنی و یا گروه وزیران انجمنی و یا نخست رایزن ( نخست وزیر) و یا هرکس که کاری در دست دارد آن کند که مردم را ناسازگار باشد ، پادشاه باید به عنوان یک پدافند دادگر و دادخواه و دادجو آن کار ناشایست و بد را به مردمش گزارش دهد و بیان دارد تا مردم برای برکنار سازی آن درد ، از نمایندگان خود در انجمن رایزنان بخواهند آن نا رسائی را برابر آئین های کشور پادشاهی ایران از زندگی مردم بزدایند .

ز دستور بدگوهر و جفت بد      تباهی به دیهیم شاهی رسد  
نباید شنیدن زندان سخن      چو بد گوید از داد فرمان مکن  
همه راستی باید آراستن      زکزی دل خویش پیراستن  
ز شاه جهاندار جز راستی      نزبید ، که دیو آورد کاستی

تبصره ۱ - پادشاه می تواند همانند یکی از نمایندگان انجمن رایزنان و یا نخست رایزن، آرمانهای زیبا و سازنده ئی را که از زبان مردم می شنود رسماً به انجمن رایزنان ابلاغ کند تا در صورت به دست آمدن بیشترین شمار آراء نمایندگان انجمن رایزنان، آن آرمان و یا دیدگاه پادشاه را اگر بار وبری داشته باشد ، برای مردم به صورت قانون تصویب نمایند ، اما پادشاه به هیچوجه حق ندارد فرمانی شخصی و از سوی خود و نزدیکانش در هیچ موردی صادر نماید .

جهاندار باید که از مهر و داد      بود درجهان تا بود شاه شاد  
بود کار او آشکار و نهان      به تیغ از بد دیو شستن جهان

تبصره ۲ - پادشاه باید نقش پدافند (وکیل مدافع) مردم را ایفا نماید و آنچه را که نخست رایزن و انجمن رایزنان با بیشترین شمار آراء نمایندگان مردم به تصویب می رسانند پذیرا شود و مهر (امضاء) رمز گونه پادشاهی و کشورداری را بر آن بگذارد .

بند بیانی ۲ - پادشاه وظیفه دارد هر یکماه یکبار گزارش مفصل همه رویدادهای مهم کشور، خوش خیمی ها و بدخیمی هارا دریک یا چند رسانه که از پرنگرش ترین رسانه های همگانی کشور بشمار میروند به گوش مردم برساند .  
بن مایه این بند بیانی، همانند دیگر بندها از فرهنگ و تاریخ ایران زمین دریافت گردیده است آنچه آنرا که اردشیر بابکان در فرهنگنامه آریابومی (شاهنامه) گفته است :

جهان سر بسر در پناه من است      پسندیدن داد راه من است  
گشاده است با هرکس این بارگاه      زبدخواه و از مردم نیکخواه

بند بیانی ۳ - دیدارهای رسمی سران بیگانه که با برنامه ریزی و از سوی نخست رایزن و انجمن رایزنان با پادشاه انجام خواهد یافت، پادشاه باید پس از هر دیدار رسمی دریک رسانه گروهی دست آورد کم و بیش و همه بیش و کم های آن دیدارها را به مردم بیان دارد و اگر آن دیدار شایستگی سری بودن را داشته باشد پادشاه باید گزارش کامل آن را با نوشتار گسترده (کتبا) به نمایندگان انجمن رایزنان ارائه دهد

بند بیانی ۴ - نخست رایزن می تواند ترتیب دیدار پادشاه و میهمانان بیگانه را در هر یک از کاخهای دیگری که به مردم تعلق دارند نیز بدهد و این دیدارها از سوی دولت (نخست وزیر ویا انجمن رایزنان) ترتیب داده خواهند شد. اما تنها یکی از کاخها نشستگاه پادشاه و خانواده اش خواهد بود. هزینه میهمانی ها و میهمانداری ها از سران دیگر کشورها به عهده دولت است و از دستمزد پادشاه پرداخت نخواهد شد

بند بیانی ۵ - یکی از کاخ های زیبای میهن که دارائی مردم بشمار می رود برای زیستن پادشاه و خانواده اش به پادشاه واگذار خواهد شد، این کاخ پایگاه رسمی و نشستگاه پادشاه خواهد بود و پادشاه اجازه ئی برای زیستن خود و خانواده اش در آن کاخ به مردم و دولت نخواهد پرداخت.

بند بیانی ۶ - دستمزد ماهیانه پادشاه ۱۰٪ از دستمزد ماهیانه نخست رایزن (نخست وزیر) بیشتر و دستمزد ماهیانه نخست رایزن نیز ۱۰٪ از دستمزد نمایندگان انجمن رایزنی بیشتر خواهد بود.

تبصره ۳ - پادشاه حق هیچگونه تجارت و سرمایه گذاری در کارخانجات و شرکت های داخلی و خارجی را نخواهد داشت (برابر آئین کهن ایرانیان پادشاه بزرگ نگهبان و دارنده همه خاک و بزرگ روحی مردمان است) نمایندگان انجمن رایزنان و نخست رایزن نیز حق هیچگونه سرمایه گذاری در کارخانجات و شرکت های داخلی و خارجی را ندارند

بشهری که هست اندر او مهر شاه      نیابد نیاز اندر آن بوم راه

بند بیانی ۷ - نزدیکان درجه یک پادشاه نیز می توانند هر یک از حقوقی که کفاینده یک زندگی مناسب باشد برخوردار شوند و در صورت شایستگی می توانند مانند مردم عادی بکارهای تخصصی و سودمند جامعه نیز مشغول شوند و دستمزدی در حد درجه تخصص خود دریافت دارند.

تبصره ۴ - نزدیکان درجه یک پادشاه، دختران - پسران - همسر - برادران - خواهران - پدر و مادر او هستند که آنها نیز حق سرمایه گذاری خصوصی در شرکت های داخلی و خارجی را ندارند مگر اینکه این سرمایه گذاری، داخلی و زیر نظر انجمن رایزنان انجام پذیرد.

بند بیانی ۸ - پادشاه باید برای دیدار و گفتگوی همگانی (به واژه تاریخ = بارعام) ماهی یکبار با مردم در یکی از کاخهای بزرگ کشور نشست آزاد و بدون واسطه داشته باشد، و درد دل های مردم و انجمن ها، چه روستائی و چه شهر نشین را بگوش جان بشنود و باگوشزد و گزارش آنان به انجمن رایزنان و نخست رایزن در زدودن گرفتاری های مردم بکوشد.

بشهری که هست اندر او مهر شاه      نیابد نیاز اندر آن بوم راه

بدی بر تو از فراو نگذرد  
جهان را دل از شاه خندان بود  
که بختش همه نیکوئی پرورد  
که بر چهارو فر یزدان بود

تبصره ۵ - مردمی ترین مسئول کشور ، پادشاه میباشد که باید آزادانه در میان مردم و بامردم زندگی کند .

- بند بیانی ۹ - برخی از وزارت خانه ها و وزیرانشان ( گنجور سراها و گنجورانان ) با همان شیوه انجمنی اما زیر نظر و با دیدگاه پادشاه اداره و استوار خواهند شد ، این وزارتخانه ها به گونه زیر میباشد .
- ۱ - وزارت سوسیال (گنجورسرای سوسیال) و خدمات اجتماعی و خانه رایگان برای همگان .
  - ۲ - وزارت پزشکی (گنجورسرای پزشکی) و درمان رایگان .
  - ۳ - وزارت گسترش فرهنگ و هنر ایران (گنجور سرای گسترش فرهنگ و هنر ایران) .
  - ۴ - وزارت (گنجور سرای) امور دیده بانی و یانگرش (نظارت) بر سازندگی روستاها .
  - ۵ - وزارت (کنجورسرای) بازرسی کشور پادشاهی ایران

چو خسرو به فرهنگ دارد سپاه  
بر آساید از درد و فریاد خواه

بند بیانی ۱۰ - بنیادهای نکوکاری و بنیادهای فرهنگی و هنری و انجمن های نگرش (نظارت) برگزینش ورأی دهندگی (انتخابات) و آموزشگاههای ویژه آموزش گزینش کنندگان یارأی دهندگان نیز از مراکزی هستند که باید باکوشش شخص پادشاه در خدمت پیشرفت فرهنگ و خرد و ویژگی های فرهنگی تاریخی ایران آزاد قرار گیرد .

تبصره ۶ - همسر پادشاه می تواند در اداره بنیادهای نکوکاری ، پادشاه و مردم رایاری دهد اما اداره انجمن های نگرش (نظارت) بر صلاحیت گزینش کنندگان و آموزشگاههای ویژه آموزش گزینش کنندگان زیر نظر و با دیدگاه پادشاه و همیاری اداره نخست رایزنی خواهد بود .

پادشاه باید شخصا پنج تن وزیران (گنجوران) پنج گنجور سرای (وزارتخانه) نامبرده را از میان انجمن های مردمی برگزیند (برای هر وزارتخانه یا گنجور سرای پنج وزیر یا گنجور که کارهای خود را همراه و انجمنی انجام دهند) و آنها را برای دریافت رأی پذیرش (رأی اعتماد) به انجمن رایزنان معرفی نماید تا پس از دریافت رأی پذیرش از سوی انجمن رایزنان کار خود را آغاز نمایند .

بند بیانی ۱۱ - یکی از مهمترین مسئولیت های پادشاه در کشور پادشاهی آزاد و سوسیال ایران سر پرستی خردمندان و نگرش فرهنگمندان به وزارتخانه (گنجور سرای) سوسیال و خدمات مردمی و خانه رایگان برای همگان می باشد که این وزارتخانه در یچه روشنائی بخش و مهر تاریخ ایران به روی فرزندان ایران زمین است .

تبصره ۶ - پادشاه باید شخصا برای ایجاد یک دهش یکسان به مردم شهر و روستا و ایل نشین و بیابانگرد و همه رده های گوناگون ایران زمین با دیده خردمندان وزارت سوسیال (گنجور سرای سوسیال) و خدمات مردمی و خانه رایگان را زیر نظر بگیرد .

بند بیانی ۱۲ - اداره نخست رایزنی (نخست وزیری) می تواند به نمایندگی از سوی پادشاه در این موارد بسیار مهم زندگی مردم ، در شهر و روستا و ایل نشین و سرتاسر کشور همراهی و همگامی داشته باشد

بند بیانی ۱۳ - وزارت خانه بازرسی پادشاهی باید به صورت یک پدیده پرجنب و جوش (فعال) در انجام خدمات سوسیال و رایگان و برابر و دشواریهای جامعه بکوشد تا هرچه زودتر در هر کجا نابسامانی وجود دارد ناپدید گردد .

بند بیانی ۱۴ - شیوه پادشاهی بر پایه فرهنگ و تاریخ ایران بگونه وراثت می باشد و پس از درگذشت و یا رسیدن پادشاه به درجه ناتوانی ، دختر و یاپسر بزرگتر پادشاه که با فرهنگ و بوسیله فرهنگمندان ایرانی تربیت کافی دیده باشد به پادشاهی برگزیده خواهد شد ، بزرگترین فرزند پادشاه چه دختر باشد و چه پسر پادشاه خواهد شد .

تبصره ۷ - انجمن رایزنان می تواند بانگرش به دیدگاه ورأی مردم برای گزینش فرزند شایسته تر پادشاه به جانشینی ایشان و برای بازنگری به امر گزینش بهترین و شایسته ترین فرزند پادشاه به این جایگاه پر بها ، با خاندان پادشاهی رایزنی و گفتگو

داشته و رهنمون باشد ، و در صورتیکه فرزند بزرگتر پادشاه از نظر روان و اندیشه شایستگی نشستن بر جایگاه پادشاه و فره ایزدی را نداشته باشد فرزند کوچکتر که از صلاحیت فرهنگ و خرد و روان سالم برخوردار است به پادشاهی برگزیده خواهد شد زیرا در فرهنگ آریا بومی ، با اینکه برابر روش ایرانیان پادشاهی موروثی بوده است اما به وسیله توانمندی و دانش و فرهنگ و کارائی ویژه آن شاهزاده ، پادشاهی براو شایسته و پایدار مانده است . فرزندان پادشاه که بیماری روانی داشته باشند نمیتوانند به پادشاهی برسند .

## بند نهم

### دادگستری و وزارت دادگری

بند بیانی ۱ - این وزارتخانه (گنجور سرای) نیز انجمنی اما به گونه ئی هم دست (مشترک) از سوی انجمن رایزنان - اداره نخست رایزنی - و شخص پادشاه اداره خواهد شد . دادگاهها از بالاترین پایگاه تا دادگاههای کوچک ، به سرداوری یک داور و همراهی و همکاری شش داور تشکیل خواهند شد ، اگر دیدگاه و رأی سرداور نتوانست دست کم سه رأی از شش رأی دیگر داوران را به همراه داشته باشد باید میان داوران گفتگو و بررسی گردد تا پاکیزه ترین و درست ترین رأی پیرامون امر مورد داوری صادر گردد .

بند بیانی ۲ - اگر رأی صادره دادگاه از سوی وکیل مدافع و دادجو و یا خود محکوم مورد پذیرش نباشد ، بنا به درخواست محکوم باید پرونده در کمتر از ده روز پس از تاریخ درخواست (استیناف) به دادگاه های بالاتری که انجمن بالاتر داوری برای رسیدگی به داوری های نادرست نام خواهد داشت فرستاده شود ، تا انجمن داوری رسیدگی به داوری های نادرست ، با درایت بیشتر حقوق از دست رفته افراد را آزادمنشانه به آنان بازگرداند .

تبصره ۱ - انجمن های داوری رسیدگی به داوری های نادرست از سوی داورانی (قضاتی) اداره خواهند شد که در حد و اندازه استادان دانشگاهها باشند .

بند بیانی ۳ - در انجمن های داوری و رسیدگی به داوریهای نادرست باید همواره یک گروه از افراد و کدخدایان محلی به نام گروه پاک منشان در دادگاه وجود داشته باشند (پاک منشان و یا هیئت منصفه می تواند ۷ تا ۱۴ تن باشند) که این گروه باید از خوشنامان و نیک کرداران و از میان انجمن های روستا و شهر برگزیده شوند و به عنوان نگرندگان و صاحبان رأی در دادگاهها حضور یابند .

تبصره ۲ - بیشترین شمار آراء پاک منشان می تواند کنترل کننده یک داوری درست و برحق و مردمی باشد .

بند بیانی ۴ - وزیر دادگستری نیز خود نه تنها یک تن نبوده بلکه باید از یک انجمن پنج نفره تشکیل گردد ، که این پنج داور باید آگاه ، دادرست ، درست کردار ، مهربان ، میهن پرست ، انسان دوست ، و در مقام داوری از رده نخستین آگاهان کشور باشند . هر پنج تن آنان بگونه ئی انجمنی نقش یک وزیر را ایفا خواهند کرد . دو تن از آنان گزیدگان از سوی انجمن رایزنان و نمایندگان مردم خواهند بود ، دو تن دیگر از سوی دولت و نخست رایزن ، و یک تن از سوی وزارت بازرسی پادشاهی برگزیده خواهد شد تا نقش دیدگان پادشاه را برای انجام درست دادگری ها ایفا نماید .

تبصره ۳ - پادشاه باید همواره گزارشات داور برگزیده شده از سوی بازرسی پادشاهی ، در مورد چگونگی داوری های ناسزا و نادرست را در برابر دیدگان نمایندگان انجمن رایزنان قرار دهد تا انجمن مردمی رایزنان در کمترین زمان گنجور داوران را (وزیران انجمنی دادگستری را ) از راه نادرستی که احتمالاً برگزیده و داوری نادرستی که کرده اند باز گرداند و وادار به داوری درست نماید تا در کشور پادشاهی آزاد ایران هیچ انسان دارنده حقوقی هرگز در برابر داوری نادرست قرار نگیرد و اندک نگرانی برای دست یافتن به حقوق خود در دل نداشته باشد . داوری و دادگری درست یکی از بزرگترین سرمایه های پادشاهان ایران زمین پیش از اسلام بوده است که با آمدن تازیان جای خود را به بریدن دست و اعدام های بی رویه سپرده است اردشیر بابکان میگوید:

پسندیدن داد راه من است	جهان سر به سر در پناه من است
زبد خواه و از مردم نیکخواه	گشاده است باهر کس این بارگاه
که آباد بادا به دادت زمین	همه انجمن خواندند آفرین

در دوران نوشیروان فرهنگ مردمی ایرانی جهان را بر روی پیکره خرد و دادگری همگانی پایه گذاری کرده است و دیده می شود که بزرگمهر دانا در انجمن های مردمی و درمیان دستجات و رده های ایرانی آئین اداره سرزمین را بدست خرد و دانش می سپرد و داوری و پاکیزگی کارداران را یکی از ریشه های پراهمیت پیشرفت و دست یافتن به خواسته های مردم می داند و بر این پایه است که جامعه رابسوی دانش و دانستن فرا میخواند و دل سنگ و کوه را از نادانان گله مند میداند و نادانان را در برابر کاردانان و دانش پژوهان نکوهیده قلمداد مینماید و داوران دروغ پرداز را بی فروغ و برهنه از روشنائی به جامعه و مردم میشناساند و سپهبدان سرمایه اندوز را به پیکان تیر سرزنش می دوزد و دانشمندان بزهکار را بامزه و خنده آور مینگارد و از پزشکی که خود را نمیتواند درمان کند میخواست دست از سر بیماران گرفتار بردارد و این گونه کسان را با مرد تهی دستی همسان میداند که آن تهیدست به چیزی می نازد که آن چیز به پیشیزی نمی آزد و سرانجام همه این گرفتاریهای آزاردهنده جامعه را با دولت و یا حکومت و یا پادشاهی دریک ترازو میگذارد که آن پادشاه یا دولت نمیتواند آرامش و خواب خوش برای مردم و شهروندان فراهم آورد :

بدانش روان را همی پرورد	چنین دان که هر کس که دارد خرد
از ایرا ندارد بر کس شکوه	زنadan بنالد دل سنگ و کوه
نه از ننگ داند همی نام را	نداند از آغاز انجام را
نکوهیده تر نزد دانش پژوه	نکوهیده در کار برده گروه
نگیرد بر مرد دانا فروغ	یکی آنکه داور بود پر دروغ
سپاهی از او سر بیچد ز رنج	سپهبد که باشد نگهبان گنج
ترسد ، چه چیزی بود بامزه	دگر دانشو مرد کو از بزه
ز بیمار چون باز دارد گزند	پزشکی که باشد به تن دردمند
که آن چیز گفتن نیرزد پیشیز	چو درویش مردی که نازد به چیز
نیابند و دلها ازو پر شتاب	همان شه کزو هر شب آرام و خواب

از همین روی و برخاسته از همین فرهنگ و نگرش گویا بوده است که ایرانیان در هزاره های پیشین توانسته اند به مرزی از فرهنگ دادگری دست یابند که با زبان گویا و توانمندان میتوان گفت امروزه نیز کشورهای بسیار پیشرفته جهان نتوانسته اند به آن مرز سازنده و آراینده ایرانیان هیجده سده پیش از این دست یابند .

تبره ۴ - در این چنین سرزمینی که آراسته به زیور فرهنگ آزادی بوده است دیده میشود که دانشور جوانی از میان مردم برپا می خاسته و رویاروی فرمانروای توانای خود می ایستاده و با آزادی بسیار هرچه که در دل داشته بیان مینموده است واز درون همین گویش های آزاد و مردمی بوده است که شیوه داوری و دادخواهی های انجمنی ، و همراه و اداره انجمنی سرتا سر این سرزمین بزرگ پدیدار گردیده است، و همین فرهنگ بلند بالا و توانمند است که نخواهد گذارد حقوق هیچیک از افراد جامعه پایمال گردد. نمونه زیبای اینگونه داوری های انجمنی و رایزنانه، در دادخواهی موبدان برای زدودن قانون اشتراک زن و ناموس که مزدک ارائه دهنده آن بود و در دوران شاه شاهان قباد ارائه شد، تا با روشنائی ویژه اش ما را به اهمیت داوری درست در دوره های پیش از اسلام آگاه سازد . در روزگاران شاه شاهان قباد ساسانی و فرزند دادگسترش نوشیروان و در بیشترین سالیان دوران پادشاهان اشکانی و ساسانی کار دادگری بگونه انجمن رایزنی انجام می یافته است و داور به هر اندازه هم که توانا می بوده است اما باید رأی

خود را به همراه ۲ یا ۴ تن داور دیگر ارائه می‌داده تا بیشترین اندیشه داوران گرد آید و هرگز ستمی بر هیچ ایرانی در سرزمین پادشاهی ایران نرود.

مزدک به پادشاه می‌گوید: چند چیز از جمله زن و مال رشک برانگیزند و اینها را باید همگانی و عمومی (اشتراکی) نمود:

از این پنج مارا زن و خواسته است	که دین بهی در جهان کاسته است
زن و خانه و چیز بخشیدنی است	تهی دست کس باتوانگر یکی است

قانون بخشیدن و اشتراکی کردن زن و دارائی می‌رفت تا ایران زمین را به دست هرج و مرج و نابسامانی بزرگی گرفتار کند که نوشیروان و موبدان، مزدک را به دادگاه فراخواندند.

نوشیروان از پدرش پنج ماه مهلت خواست تا یک دادگاه دادگرانه در این پیرامون برگزار نماید.

فرستاد کسری به هر جای کس	که داننده ئی دید فریاد رس
کس آمد سوی خره اردشیر	که آید به درگاه هر مزد پیر
ز استخر مهر آذر پارسی	بیامد به درگاه با پارسی
نشستند دانش پژوهان به هم	سخن رفت هرگونه از بیش و کم
به کسری سپردند یکسر سخن	خردمند و دانندگان کهن

پس از آن نزد پدرش پادشاه قباد می‌رود و می‌گوید اگر مزدک توانست این دادگاه انجمنی را قانع نماید من نیز آئین او را پذیرا خواهم شد و اگر نه شما او و پیروانش را بمن بسپرید.

در ایران زمین پیش از اسلام کارهای دادگری آنچنان با اهمیت زیر دیدگاه خردمندان جای می‌گرفته است که میان پادشاه قباد و فرزندش نوشیروان نیز سخن در برابر انجمن و با گواه گرفتن یک انجمن به پذیرش می‌رسد:

گوا کرد زرمهر و خراد را	فرآئین و بندوی و بهزاد را
وزان جایگه شد بایوان خویش	نگهداشت آن راست پیمان خویش

دادرسی و داوری در آئین پادشاهان، نخستین پلکان پیشرفت های جامعه و سازنده برابری و همسانی مردمی در ایران زمین بشمار میرفته است، زیرا آنجا که دادگری باشد، برابری خواهد بود و داد چیزی بجز (عدالت) همان برابری و همسانی مردمی بشمار نمی‌رود.

تازیان نیز پس از اندکی این شیوه را از ایرانیان دریافت داشتند و با پیروی از روش ایرانیان داوری سه گانه را پذیرا شدند که سرانجام در داوری میان معاویه ابن ابو سفیان و علی ابن ابیطالب، معاویه را که مردی از دیدگاه سیاست و بینش و مصلحت خواهی تازیان و ملک داری آگاه تر بود به خلافت برگزیدند، و این درحالی بود که علی پسر عموی پیامبر محبوبشان و همسر دختر همان پیامبر و خود از شمشیر زنان نیرومند تازی بود، اما آنان به خرد ملک داری معاویه رأی دادند و نه به بازوی شمشیر زن علی.

اداره انجمنی امور کشور پادشاهی آزاد ایران دو گام بسیار مهم و در خور نگرش و بیان را در کشور نیرومند کرده و گسترش خواهد داد. ۱ - دقت و بینش بیشتری را در کارهای داوری و هر مورد دیگری فراخوانی و مستحکم مینماید. ۲ - نیروی کارجوی بیشتر و یا بهتر است گفته شود چند برابر از نیروی نیازمند به کار را در آغوش خواهد گرفت و در رسیدگی به گرفتاریهای مردم و اداره همه سویه کشور نیز تندی و سرعت بیشتری خواهد بخشید و برای دانشوران نیز دروازه های کار بیشتری را خواهد گشود و در نتیجه دولت پادشاهی آزاد ایران خواهد توانست ضمن اینکه دقت عمل و هم کوشی را با انجمنی شدن امور کشور گسترش دهد، نسبت تولید کارهای سازندگی رانیز برای نیروی کار به چند برابر برساند.

بند بیانی ۵ - آئین ایرانی نوین باید هرگونه آئین های (قوانین) بیگانه بویژه آئین های (قوانین) تازی را که قهرا و باستم تاریخ گریبانگیر فرهنگ ما شده است از خود بزدايد و هیچ یک از آئین های آمده از سوی بیگانگان در آئین ریشه ئی (قانون اساسی) کشور پادشاهی آزاد ایران مورد پذیرش نخواهند بود و مردود بشمار میروند. و اگر چنین آلودگی وجود داشته باشد باید انجمنی از دانش پژوهان و خردمندان ایرانی برای زدودن آئین های بیگانه و جانیشینی آئین نامه های ایرانی تشکیل، و با دیدگان باز این آلودگی پاک سازی گردد.

## بند دهم

### بزهکاران و بدکرداران

در فرهنگ و خرد ایرانی و در آئین ریشه ئی (قانون اساسی) پادشاهی آزاد ایران و همچنین در آئین و مرام نیایشی (دینی) ما ایرانیان زندان کردن و بستن یک انسان بزه کرده (خطاکار) سرزنش شده و نایبستی است و به هیچ روی مورد پذیرش نبوده است. به پیام فردوسی بزرگ، مرد آغاز و انجام سخن سازنده و نیک، یزدان نیک سرشتی در آئین زرتشت گرامی زندان کردن آدمیان را ناپسندیده میدانند و خود فردوسی نیز بر این باور استوار است، از این روی باید گفت فرهنگ ایرانی از زندان کردن آدمیان اگر چه بزهکار، آشکارا سرپیچی مینماید و راه حل رهائی آدمیت از بزهکاری را نه در زندان، که در آموزش نیک و دهنده گی برابر و همسان از سوی فرمانروایان به مردم میدانند و راه رهائی از بزه و بدکنشی را در برپائی یک شیوه سوسیال آزاد و برابر اقتصادی می داند. بنا بر این واژه زندان در فرهنگ و خرد نیاکانی ما سرزنش شده و ناپذیرا بوده است و امروز نیز ما می توانیم با بهره گیری از بندهای زنده آئین نامه های بسیار پیشرفته و بی همانند نیاکانمان مشکلات را آنچنان از میان برداریم که دادگستری ها از دادخواهان و دادجویان بخودی خود تهی گردند.

بند بیانی ۱ - (از شاهنامه فردوسی):

هرآنکس که باشد به زندان شاه گنهکار یا مردم بی گناه  
بفرمان یزدان بیاید گشاد به زند اندر آن اینچنین کردیاد

فرهنگ و سنن و آئین های نیاکانی و مردمی پیش از اسلام ما در میان این دو سروده که از آئین های اداری کشور ما سرچشمه گرفته اند، خود نمائی می کنند. و نشاندهنده آن هستند که اندیشمندان ایرانی بزهکاران و بدکرداران را گناهکاران ریشه ئی و اصلی نمی دانسته اند بلکه انگیزه را بزهکار و مسئولان بدکردار و دولتیان نادرست را بزهکاران ریشه ئی جامعه و آلوده دستان راستین می دانسته اند از این روی است که بوذرجمهر (بزرگمهر) خردمند در برابر پادشاه دادگری همچون انوشیروان میگوید هرکس که در زندان حکومت است، گنهکار و یامردم بیگناه باید آزاد شو ند.

بیگمان بدکرداری و بزهکاری، زائیده بی دانشی - نیازهای خانوادگی و اجتماعی - بیدادگری و داوری و اداره بد در شهر و روستا و سراسر کشور می باشند، که اگر این انگیزه ها برطرف شوند بزه و بدکرداری نیز باجمعه بدرود خواهد گفت. اما برای اینکه همین جامعه از بزهکاران کنشی و یا خلقتی که خاک و گلشان با انگیزه های بد آرایش یافته و ساختار روانیشان بدخیم است، رها گردد، گره گشائی (راه حلی) در فرهنگ توانمند ایران زمینی ارائه شده است که ما آن را در آئین ریشه ئی کشور پادشاهی آزاد ایران به ترتیب بیان میکنیم.

تبصره ۱ - از آنجا که این گره گشا ها و آئین ها از زبان پادشاهان و گنجوران و یاران همراهشان و در دوران آنان بکار گرفته می شده است بنا بر این ما این آئین های درخور ستایش را تنها ویژه آئین برگزیده پادشاهی دانسته و کشور را به دست جمهوری خواهان دزد و مزدوران بیگانه نخواهیم سپرد. ایران زنده و سربلند خواهد شد اما با آئین و خرد و فرهنگ ایرانی بازمانده از شهریارانش.

بند بیانی ۱ - هیچ آدمی زاده ایرانی نباید به خاطر بیان باور و یا نگاشتن و یا گفتن رویدادهای کشور به گونه آشکار و نهان و یا به انگیزه شماتت بدکرداران اداری و یا انتقاد از کمبودها و یاسرزنش کارگزاران بدکردار که کارهای کشور را دردست دارند و یا به خاطر بیان اندیشه‌ئی که سرزنش کننده کارداران خطاکار است محاکمه شود و دادگاه حق ندارد بجرم انجام و اقدام به موارد یادشده بالا هیچ کس را فراخوانی نماید، در صورتی که دادگاه دست به چنین اشتباهی بزند و قانون آزادی آدمی در بیان و گفتار و نوشتار را زیر پا بگذارد، آن دادگاه و داوران مسئولش به پرداخت غرامت به اندازه آسیبی که به وقت، تندرستی، و حیثیت آن شخص خورده محکوم خواهند شد.

بند بیانی ۲ - هیچ کس نباید به انگیزه بدهکاری مالی زندانی شود مگر اینکه ثابت گردد آن کس با کلاهبرداری و اندیشه بد نسبت به اموال و دارائی کشور و مردم بد کرداری نموده است در این صورت باید برابر شیوه‌های پیشنهادی فرهنگ ایرانی با او رفتار گردد و بزهدار باید از میان مردم جدا شده و از جامعه بیرون نگهداری گردد.

بند بیانی ۳ - بدهکاران مستمند و آنان که به دارائی‌های مردمی و ملی دست دراز نکرده اند نباید زندانی شوند و دادگاه باید پس از بررسی، و اندازه گیری هزینه کلی زندگی آن مرد یازن بدهکار، اگر پس از کنار گذاردن نیازهای زندگی چیزی افزون از درآمد ماهیانه برایش بماند، از آن دارائی بازمانده و افزون از نیازمندیها و هزینه ماهیانه بدهکار، بدهی او را بگونه‌ئی تدریجی به بستانکار بازگرداند. آئین بدهکاری در ایران پیش از اسلام آشکارا برپایه یکی از انسانی‌ترین ریشه‌های خردمندانه بنیان گذاری شده است، در هنگام پادشاهی نوشیروان دادگر آئین همگانی بهامندی پیرامون گرفتاری بدهکاران صادر شد که دیده خرد جهانیان را خیره و اندیشه اندیشمندان آزاده را فرا میخواند تا با نگرشی ژرف درودهایشان را به بالای بلند فرهنگ و خرد نیاکان ما ایرانیان ارمغان کنند، و بویژه گامهای مردم دوستانه ایرانیان پیش از اسلام را که برآستی بنیانگذاران سازنده زندگی آدمیت بشمار می آیندگرامی بدارند. این آئین همگانی بسیار ساده و آسان و برخوردار از درونی ژرف و فرهنگمندانه است. جارچیان و ندا دهندگان هر بامداد در کوچه و بازار کشور نوشیروانی اینچنین درمیان مردم ندا می داده اند:

وگر وام خواهی بیاید ز راه      درم خواهد از مرد بی دستگاه  
نبايد که یابد تهی دست رنج      که گنجور و رامش بتوزد ز گنج

تبصره ۲ - اگر مرد بستانکاری پولی را به مرد بی دستگاه (بیکار) و یا مردی از دیدگاه دارائی ناتوان وام داده باشد و به پول خود نیز نیازمند باشد، مرد تهی دست نباید مورد آزار قرارگیرد، گنجور و یا وزیر دارائی و یا صندوق دولت پادشاهی آزاد ایران باید با پرداخت بدهی مرد ناتوان و تهیدست سنگینی رنج بدهکاری را از روی شانه‌های او بردارد.

تبصره ۳ - اگر چه این بند زیبا و مردم دوستانه هرگز در هیچ کشور و میان هیچ مردمی وجود نداشته و تنها از میان خرد مردم دوستانه فرزندان آریابوم نمایان گردیده است اما برای جلوگیری از بد نهادی و بداندیشی بزهداران، باید داوران آگاه و کارشناسان پژوهنده در این پیرامون اندازه و مرزی فراهم آورند.

بند بیانی ۴ - اگر هر بدهکاری بیکار یا بیمار و ناتوان باشد و حقوق زندگی او، از سوی دولت و از طریق خدمات سوسیالی پرداخت گردد در این صورت نیز دادگاه پس از کنار گذاردن هزینه مورد نیاز ماهیانه بدهکار و خانواده اش، اگر مبلغی افزون از هزینه ماهیانه برای بدهکار مانده باشد دادگاه می تواند از آن مبلغ بازمانده، بدهکاری او را به گونه‌ئی تدریجی و قسطی به بستانکار بازگردان نماید. زیرا که فرهنگ درخشان ایران زمین میگوید:

نبايد که خسبد کسی دردمند      که آید مگر شاه را زو گزند

این دست مایه فرهنگی نه تنها ریشه اداره خدمات رایگان را در کشور پایدار و استوار میدارد و دولت پادشاهی با این فرمان وظیفه می یابد که با دادن هزینه زندگی ناتوانان و خانه و درمان رایگان به آنان ، اجازه ندهد کسی سر نیازمند بر بالین بگذارد ، این فرمان فرهنگی تاریخی ایران زمین ، فرمانی است برای پایداری آرامش و آسایش ممکن در زندگی یکایک فرزندان آریابوم .  
بند بیانی ۵ - برگی دیگر از درخت فرهنگ و تاریخ گزیده و بی همانند ایران زمینی

کسی کو به بادآفره درخور است      کجا بد نژاد است و بد گوهر است  
کند شاه دور از میان گروه      بی آزار تا زو نگردد ستوه

بازگشائی این دو فرزند از سروده و یا آئین نامه هنر مندانه و باستانی پدر فرهنگ جهانیان فردوسی اینچنین است : کسی که بزهی سنگین از او سر زده و بایدکیفر کردار بزهکارانه اش نیز سنگین باشد (بیاد آفره درخور است) با اینهمه کیفر و پاداش او مرگ و کشتار و شکنجه و آزار نیست بلکه اینچنین بزهکاران که بیگمان از خون و سرشت و نژاد و گهر و سرانجام از فرهنگ و تربیت بدی برخوردار میباشند ، باید که آئین نامه بیرون رانده شدن از میان گروه (مردمان) در موردشان انجام گردد ( تبعید به شیوه فرهنگ ایرانی ) و کیفر کردار بدخیمان نه آنان اینچنین خواهد بود ( کند شاه دور از میان گروه ) .  
دولت یا دستگاه دادرسی باید اینگونه کسان را از جامعه دور کند تا دیگر مردم که درست زندگی می کنند از او آزار نبینند و بستوه نیابند .

تبره ۲ - درخور بادآفره ، آدمکشان و بدکاران رده یکم به شمار می آیند و باید برای همیشه از میان گروه (جامعه و مردم) رانده شده و در مکانی که آزادی دلخواه نداشته باشند و آزادی ورودشان به جامعه درستکاران ناشدنی باشد نگهداری شوند ، جایگاهی ویژه - مانند شهرکها و یا روستاها و یا باروهائی بزرگ در دشتهای گسترده که ویژه بزهکاران ساخته شود و تنها بدخیمان و بزهکاران در آن شهرک ها نگهداری گردند . واز آنجا که اینگونه کسان در خور بادآفره یا کیفر هستنند یعنی بدکرداری در خونشان جای داشته و بازسازی خونی اینگونه روان بیماران بسیار دشوار و شاید بتوان گفت نا ممکن می باشد در نتیجه باید همه زندگیشان را از جامعه مردمی دور بماند .

تبره ۳ - با نگرش به آئین ویژه بهرام گور ، بزه کاران رده دوم ( ۲ ) نیز نباید به زندان بروند و نخست باید از سوی دولت برایشان اندرزگو و آموزگاران دانش دهنده و ابزار دست یافتن به فرهنگ و دانش به وجود آید و اگر باوجود بهره مند شدن از اندرزگویان و آموزش دهندگان ویژه و دادن دانش و فرهنگ و خدمات بایستنی و شایسته آموزشی به آن افراد ، آنها بازهم دست به کردار بد و بزهکارانه آلودند و به آزار گروه (جامعه) پرداختند آشکار خواهد شد که کمبود فرهنگ و آموزش او را بد کردار و بزهکار نساخته و بگفته فردوسی بزرگ ، اینچنین بزهکاری بد نژاد و بدگوهر است و در خور باد آفره و کیفر سنگین می باشد .  
آئین نامه ویژه شاه شاهان بهرام گور :

کسی را که درویش باشند نیز      ز گنج نهفته ببخشیم چیز  
گنه کرده را پند پیش آورم      چه دیگر کند ، بند پیش آورم

در این بند به تدبیر بهرام گور ، مشکل اقتصادی و رفتار دادگرانه با بزهکاران حل می شود . نخست میگوید من نیازمندی های جامعه را از صندوق دولت (گنج نهفته) تأمین می کنم و پس از آنکه نیازمندان کشور را زیر چتر خدمات سوسیالی دولت خود قرار دادم و راه را به بدخیمی ها و نیازمندی های مردم بستم ، اگر کسی که دولت من تأمینش میکند یکبار مرتکب بزه شود برای نخستین بار او را به اندرزگاه های ویژه خواهیم سپرد و به او فرهنگ و آگاهی میدهم و چون آگاه بی نیاز گردد و بازهم دست به بزه بیالاید بنا براین گهر و سرشت او آلوده و بد خواهد بود و باید از میان مردم نیک زی دور شود و در همانجا که بزهکارانی همانند او هستند زندگی را سپری نماید .

بند بیانی ۶ - دولت پادشاهی ایران باید در بخشها ئی از کشور که از نظر آب و هوا درخور زندگی این چنین بزهکارانی باشد دهکده ها و شهرک هائی با دیوارهای بسته که بزهکاران توانائی و حق بیرون آمدن از آن رانداشته باشند بنا کند . تا بزهکاران در آن شهرک ها و یا روستاهای در بسته زندگی نمایند .

بند بیانی ۷ - به بزهکاران اجازه داده می شود در این شهرک ها و یا روستاهای در بسته در صورت تمایل و داشتن امکان مالی خانه های خود را خریداری کنند و در شهرک بزهکاران بکار خرید و فروش کالاهای مورد نیاز مردم و کارهای نیک جامعه نیز به پردازند و در ایجاد شبکه های خدمات مردمی بکوشند تا با گرایش به کردار نیک بتوانند در خارج شدن از شهرک های بسته و ورود به زندگی عادی خویشتن را یاری دهند .

تبصره ۴ - رفتار نیک و گرایش به فرهنگ و مردمیت در رهائی بزهکار از شهرک ها و روستاهای در بسته یاری دهنده می باشد .

بند بیانی ۸ - دولت پادشاهی آزاد ایران باید برای بزهکاران در شهرک ها و روستاهای در بسته مدارس و فرهنگ سراها و اندرزگاههای ویژه ئی فراهم آورد و بزهکاران را از راه آموزش و پرورش روانی از بادآفره و بزه دور ساخته و به جامعه آزاد بازگرداند .

بند بیانی ۹ - بزهکاران رده یکم که آدم کشی کرده واز دیدگاه اندرزگویان و مربیان فرهنگی درکنش و منس اصلاح ناپذیر شناخته شده و راهی برای بازسازی روان و خرد آنان یافت نمیشود باید در همان شهرک ها و روستاهای در بسته نیز از میان بزهکاران درجه دوم دور شوند و بابهکاران درخور آموزش و بازسازی شدن آمیخته نگردند و در یک خانه که همه وسایل زندگی اولیه راداشته باشد به تنهائی و کاملاً دور از مردم و دیگران زندگی نمایند .

وگر بدکنش باشد و شوخ و شوم	بپردخت باید از او روی بوم
که تاروز واژون بر او نگذرد	تباهی سوی خان مردم برد

باید اندرزگویان و خردبخشان در همان خانه های در بسته به بزهکاران بدکنش رسیدگی کرده و به آنان یاری برسانند تا زمانشان به سر برسد .

بند بیانی ۱۰ - دولت و اداره امور دادگستری و دادگری کشور پادشاهی آزاد ایران زمین که ب اپیکره و اسلوبی تماما انجمنی و یاشورائی آمیخته و از فرهنگ سازنده و پویای ایران زمینی نیز دریافت گردیده و از تاریخ توانمند نیاکانی مردم ایران سرچشمه گرفته است می تواند نمونه زیبایی برای همه کشورهای جهان و مدعیان آزادی و دموکراسی باشد و اگر مردم ایران بتوانند بادیده گشاده ، (که باید بتوانند) آنچه راکه در آئین ریشه ئی ویاقانون اساسی پیشنهادی نوین کشور پادشاهی آزاد ایران آمده ، آزادمنشانه و فرهنگمندان و بدون تنگ نگری و بددلی به اجرا درآورند ، ( که باید مو به مو به اجراء در آید) در این صورت خواهند توانست جهانیان را به بزرگمنشی اندیشه و فرهنگ نیاکانی خود نیز آگاه نموده و خوشبختی و نیک زیستن جاودانه را به جامعه کنونی و آیندگان خود و سرانجام به آدمیت ارمغان نمایند .

## بند یازدهم

### روش اداره درون مرزی کشور

روش و یا سیاست درون مرزی کشور پادشاهی آزاد ایران زمین به شیوه ئی خواهد بود که همه کارهای کشور بادست مردم و بگونه ئی انجمنی و رایزنی (شورائی) انجام خواهند گرفت تا هیچ کس نتواند زیر نام هیچ مقام و یا اداره کننده ئی یک تازانه با سرنوشت و سرمایه های ملی این آب و خاک بازی کند و ایران زمین از دیدگاه دارائی های مردمی و آزادی های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برای همه ایرانیان از روستانشین و شهرنشین و کولیان بیانگرد و پایتخت زیان ، پیران و جوانان برابر و همسان باشد .

## بند دوازدهم

### روش اداره برون مرزی کشور

روش اداره برون مرزی و سیاست برون مرزی کشور پادشاهی ایران باید یک سیاست باز و آزاد باشد ، بدون وابستگی به هیچ کشور سوم و دوست همه کشورهای کوچک و بزرگ جهان ، دین و مرام کشورهای بیگانه در ایجاد روابط و معاملات بازرگانی ایران با دیگر کشورها تأثیری نخواهد داشت ، تنها برتری کشورها ئی که در آینده روابط سیاسی و بازرگانی با ایران خواهند داشت ، در احترام گذاردن آنان به حقوق انسان وقوانین بین المللی و آئین های داخلی (قوانین ) ایران زمین و درخواست قراردادهای برابر که سود و زیان هر دو طرف بگونه ئی دادگرانه ومنطقی وبارضایت مردم ایران رعایت گردد میباشد .

بند بیانی ۱ - خرید و فروش کالاهای ایرانی باید با بهائی که از سوی مقامات آگاه و میهن دوست ایرانی در نظر گرفته می شود برای رفتن به پای میز قراردادآماده شوند ، آنگاه مجلس رایزنان سپس نخست رایزن (نخست وزیر) و درپایان پادشاه ، همگان باید با بهای گذارده شده برکالای مورد نظر موافق باشند و اگر یکی از این سه ریشه اداره کشور: انجمن رایزنان، نخست رایزن و یا پادشاه با شیوه بها گذاری و بهای گذارده شده برآن کالا ی ایرانی موافق نباشند ، باید بی آنکه وقت را از دست بدهند و اجازه دهندرقیبان جهانی به تجارت ملی ایران آسیبی وارد سازند ، از مردم ایران درخواست نظر خواهی کنند و بهای مورد نظر را برابررأی بیشترین شمار مردم اعلام نمایند .

تبصره ۱ - انگیزه بسیار مهمی که در این آئین ریشه ئی (قانون اساسی) اداره کشور پادشاهی آزاد ایران ، برای رأی دهندگان ویژگی دانش و آگاهی در رأی دادن درنظر گرفته شده این است که، درپادشاهی آزادو انجمنی رایزنی ایران سرانجام هرمشکلی به سوی دیدگاه و نظر خواهی و رأی مردم بازگشت می کند و اگر مردم در دادن رأی نا آگاه باشند کشور نخواهد توانست کشوری مردمی و همگام کشورهای پیشرفته جهان باشد و آنچنانکه شایسته تاریخ و فرهنگ و مردم این مرز و بوم است به پیشرفتهای بایسته خود دست یابد و سرانجام چرخهای اقتصاد و دارائی میهن ازکار باز خواهند ایستاد ، بنابراین درموارد و بندهای آینده چگونگی بازگشائی وحل اینگونه دشواریها به تفصیل خواهد آمد تا ضمن اینکه هیچ کس از مردم ایران زمین از دادن رأی خود در موارد ریشه ئی محروم نگردد، اما دولت به او دانش رأی دهندگی بیاموزد تا او نیز درخور رأی دادن بشود وخردمندانه و آگاه به پای هر صندوق گزینشی حاضر گردد .

## بند سیزدهم

### انجمن روستا و شهر از کجا آمده است ؟

واژه انجمن که به زبان تازی آن را شورا میگویند پیش از همه ملت‌های جهان درایران باستان و پیش از اسلام به گونه ئی جدی و راستین در خدمت همه کارهای اداری و کشوری قرار می گرفته است ، چادرنشینان ایران پیش از کوچ کردن هایشان انجمن میکرده و برای گزینش مکان خوش آب و هواتر و مراتع سودبخش تر دریک گرد هم آئی ایلی تصمیم گیری میکرده وچوب بالا می برده اند، و هر موردی که چوب دستی بیشتری برایش بالامیرفته به تصویب میرسیده و انجام آن مورد برایشان بصورت قانونی بایستنی در می آمده است . در روستاها انجمن های نوروزی تشکیل میشده و تاکنون نیز در بسیاری از روستاهای ایران این سنت پای برجا می باشد که در انجمن های نوروزی ضمن دیدو بازدیدهای روستائیان ازیکدیگر ، همه مردان روستا گردهم می آیند و گاوچرانان - گله بانان - منال پروران - کدخدایان وکارداران روستائی خودرا بایشترین رأی برگزیده وبر می گزینند .

شهر نشینی ایرانیان نیز ، تا پیش از اسلام برابر با آنچه تاریخ زنده ما می گوید به همین شیوه انجمنی ورایزنی بوده است. درهر محله و بخشی مردم گرد می آمده اند وبادادن رأی خود، گروهی از بزرگان بخش یامحله و شهر خودرا برمی گزیده اند تا آنها به گونه ئی دسته جمعی در اداره بخش و محله وبخش ها و محله ها و درمجموع در اداره تمامی شهر، درانجمن های متعددی که

بستگی به بزرگی و کوچکی شهر داشته رایزنی نمایند و کارهای شهر خود را به شیوه انجمنی و یا به زبان تازی شورائی اداره نمایند و کارها از دست یک تن در دست جامعه و مردم قرار گیرند . داوری ها - کیفر دهی ها - رسیدگی به کارها - گزینش سردستانگان - تصمیم گیری پیرامون خدمات مردمی ، گرد آوری سپاه برای پدافند از میهن ، همه از این انجمن ها سرچشمه میگرفته اند تا هرگز یک فرد به تنهایی نتواند جامعه را به سوی تک اندیشه ئی و نابسامانی ببرد .

انجمن ها در سرتاسر کشور از چادر و چادرنشینی - روستائی و شهری - کوی و برزن - به یکدیگر متصل میگرددند و سراسر انجمن های کلی و زنجیره ئی روستا و شهر های کشور را ترتیب می داده اند که اکنون ما نیز باید در این آئین ریشه ئی کشور پادشاهی آزاد ایران از این شیوه بهره گیری نمائیم .

برخلاف تبلیغات شوم تازیان اشغالگر و بازماندگان ننگینشان در کشور ما آریابوم . سرزمین ایران کهن از دوران پیشدادی و کیانیان تا مدهای نخستین که دولت مردان ایلامی شدند و پسر عموهای مادی آنان که پادشاهی بزرگ کردی مادی را استوار داشتند و یکی از توانمند ترین شاهنشاهی های ایران زمین بشمار میروند ، و سومین پسر عموی دیگرشان که شاهنشاهان فرهنگمند هخامنشی بوده اند و نیز در هنگام پیدایش دلاور پادشاهان پارتیزان اشکانی ، و پادشاهان بزرگ ساسانی کشور ایران اگر چه مانند همه کشورهای جهان نشیب و فرازهای درون مرزی بسیار داشته ولی انجمنی و رایزنی و یا بزبان تازیان شورائی اداره می شده است . و انجمنی بودن کارها بی کم و کاست به دست مردم اداره می شده و مردم ایران همواره در برابر فرمانروایان خود حق اعتراض و گویش آشکار داشته اند ، تا آنجا که در برخی موارد انجمن ها با بهره گیری از دیدگاه مردم ، پادشاهی را برکنار و پادشاهی دیگر بجایش می آورده اند . و این نشاندهنده نیروی فرهنگی و آزادی و جهش اندیشه نیاکان دانا و فرهنگمند ما بوده است که اکنون فرزندان فرهنگ سوخته شان اسیر اهریمنان بیگانه و در هرج و مرج درهم کوبنده و ویران گرانه ئی گرفتار آمده اند .

اکنون پادشاهی آزاد و نوین ایران می رود تا یکبار دیگر این شیوه آزادمنشانه و اداره انجمنی کشور را با بینشی نوین در جامعه خود استوار نماید تا از آن پس هیچ نیروئی از دشمنان سوگند خورده مردم ما در هیچ گوشه از جهان غدار نتواند بیان نماید که در ایران کارها بر پایه درست و آزادی سیاسی اجتماعی و باوری کامل اداره نمی شوند .

جمشید شاه بزرگ در هفتمین هزاره پیشین نخستین پایه گذار انجمن های مردمی ایرانی بوده است :

زهر پیشه و ر انجمن گرد کرد بدین اندرون سال پنجاه خورد

۱ - گروه یا انجمن کاتوزیان یا دینمردان

۲ - گروه یا انجمن نيساریان یا جنگاوران

۳ - گروهها یا انجمنهای نِسودیان یا کارندگان زمین

۴ - گروهها یا انجمنهای آهو خوشیان یا پیشه وران و دست ورزان

ضحاک ماردوش نیز در هنگامی بحرانی و نزدیک به سرنگونی رژیم کشتارگرش برای رهائی از چنگال درهم کوبنده فریدون شاه به تشکیل انجمن پناه برد ، که در پایان دیده میشود ، انجمن تنها کسانی را که یاری نمیدهد دیکتاتورها و کشتارگران جامعه است و از همان انجمن بود که کاوه آهنگر فریادش را بگوش همگان رسانید و گفت : انجمن ضحاک نمیتواند پایدارنده اداره سرزمین باشد و انجمن باید که بر پایه داد و مردمیت استوار باشد . و این آوای دلاورانه کاوه آهنگر است که به ضحاک تازی هشدار می دهد :

تو شاهی و گر اژدها پیکری بیاید در این داستان داوری

و در پایان بانگ میزند :

که مارا نت را مغز فرزند من همی داد باید به هر انجمن

بنا بر این سخن انجمن ها نباید ضحاکي باشند ، انجمن ها باید تماما مردمی و بر پایه خواسته های مردم استوار باشند .  
پس از آنکه کاوه خشمگین از انجمن ستم ضحاک بداندیش بیرون می رود ، در بازار و در میان مردم کوچه و خیابان انجمن و یاشورای  
ستم زدائی برپای می کند :

چو کاوه برون شد ز درگاه شاه  
بر او انجمن گشت بازار گاه  
همی بر خروشید و فریادخواست  
جهان را سراسر سوی دادخواست

درخواستگاری از دختران پادشاه یمن برای سه پسر فریدون شاه ، سلم - تور - ایرج نیز دیده میشود ، در یمن که خود بخشی از  
امپراتوری گسترده ایران زمین بشمار می رفته پادشاهش با بهره گیری از آئین ایرانیان انجمنی و رایزنی تصمیم گیری می کرده  
است :

نشستنگهی ساخت شاه یمن  
همه نامداران شدند انجمن

سام نریمان نیز در کارهای بزرگ جنگی انجمن و گرد هم آئی همگانی و رایزنی انجمن داشته است

جهاندیدگان را ز کشور بخواند  
چنین گفت با نامور بخردان  
سخنهای بایسته چندی براند  
که ای پاک و هشیار دل موبدان  
چنین است فرمان بیدار شاه  
که لشگر همی راند باید به راه

در دوران منوچهر شاه و زال پدر رستم ، بیشتر کارها حتی خواستگاری ها بگونه انجمنی و رایزنی صورت می پذیرفته اند  
در مراسم تاجگذاری کیخسرو کیانی مراسم سوگند برای نگهبانی رادمردانه از میهن برگزار می شود و سوگند او در برابر انجمن و  
سران کشور صورت می گیرد و کیخسرو پس از ، ادای سوگند ، در هنگام بستن پیمان می گوید :

یکی خط نوشتند بر پهلوی  
گوا ، کرد دستان رستم بر آن  
بمشک از بر دفتر خسروی  
بزرگان لشگر همه همچنان

در ایران زمین باستان بویژه در دوران های گستردگی میهن هرگز پادشاه ( بجز مواردی که تاریخ ما آنرا سرزنش کرده است)  
بدون مردم و انجمن شدن مردم بر مردم پادشاهی نمی کرده و پایه های اداره پادشاهی ایرانی برشانه انجمن ها و رایزنی های  
انجمنی استوار بوده است .

مهمترین انجمنی که در تاریخ ساسانیان و شاید بتوان گفت در تاریخ ایران زمین انجام شده است هفت انجمن مردمی ایرانیان  
بوده است که در آن هفت انجمن ایرانیان فرهنگی وارسته و بلند بالا را به جهانیان ارئه داده اند ، فرهنگی که در تاریخ هیچ ملتی  
نمی تواند و نخواهد توانست اینچنین سازندگی های خرد مندانه و اندیشه پرورانه ئی را به جامعه آدمی ارمغان کند ، و این هفت  
انجمن ، انجمن های مردمی نوشیروان و موبدان و ردان و دستجات مردم به همراه بوذرجمهر دانشمند بوده است .  
پایانی ترین انجمن رایزنی رارستم فرخ زاد سپهسالار ایرانیان پس از دریافت پیامهای تازیان برای بررسی کارها در لشگر گاه  
خود براه انداخت ، آنچنانکه در نامه رستم به برادرش آمده است :

از ایشان فرستاده آمد به من  
سخن رفت هرگونه برانجمن

بنابر این تا پیش از نبرد قادسیه نیز برای پاسخ دادن به پیشنهادهای تازیان خونخوار ریزنی در سایه انجمن صورت می گرفته و فرماندهان نبرد نیز انجمنی و گروهی عمل می کرده اند .

آئین نامه ریشه ئی کشور پادشاهی آزاد ایران (قانون اساسی) پایه های زندگی مردم را بر ریشه اراده مردم بر پیشرفت جامعه مردمی خودشان گذارده و انجمنهای کشوری را از میان ایلات کوچ کننده تا بزرگترین مراکز تصمیم گیرنده میهن می گستراند تا آئین پادشاهی نوین بتواند نمونه بی همانند و سرفرازانه ئی از اداره سرزمین در سرتاسر گیتی باشد .

بند بیانی ۱ - یکی از پر ارزش ترین انجمنها ، انجمن های نگرش و یا نظارت برگزینش کنندگان می باشند که این انجمن ها در میان ایلات و روستاها و شهرها و از میان سربازان تحصیل کرده - دانشجویان و خبرگان دلسوخته و ویژه ئی تشکیل خواهند یافت.

## بند چهاردهم

### انجمن های ویژه

در آئین نامه ریشه ئی یا قانون اساسی نوین کشور پادشاهی ایران هیچ کس حق ندارد و نباید نا آگاهانه دست به گزینش بزند و در موردی رأی بدهد و هیچ کس هم نباید از حقوق رأی دادن و گزینش در جامعه محروم باشد ، و از آنجاکه گزینش و رأی و خواسته های مردم ، حکمران و اداره کننده گان نخستین جامعه خواهند بود بنا بر این گزینش کننده باید از فرهنگ و شناسائی و اهمیت گزینش و چگونگی گزینش صد در صد و بگونه ئی ژرف آگاه باشد .

بند بیانی ۱ - از آنجا که بیشترین مردم کشور ما در طول ۱۴ سده پیشین به انگیزه اشغال فرهنگی میهن نتوانسته اند از ریشه های توانمند و مردمی فرهنگ خود برخوردار شوند در نتیجه باید پذیرفت که درصد چشمگیر و شاید بتوان گفت درصد ویران کننده ئی از مردم ما نه میدانند برای چه باید رأی بدهند و نه میدانند چرا باید افرادی را برای اداره امور برگزینند و نه میدانند ویژگی فرد مورد گزینش چگونه باید باشد و نه میدانند برای چه آن شخص برگزیده می شود ، در نتیجه نخستین مسئولیت بیانی کشورداران پادشاهی آزاد ایران بویژه پادشاه که مسئول وزارت گسترش فرهنگ و هنر می باشد ، گزینش انجمن های فرهنگی برای آموزش و پرورش عموم مردم پیرامون چگونه برگزیدن نمایندگان برای هر کار و هر موردی می باشد .

تبصره ۱ - این انجمن ها در سرتاسر کشور آموزشگاههای ویژه آموزش هنر رأی دهندگی و گزینش را دایر خواهند کرد و هر کس بخواهد به مردم و جامعه و سرانجام سرنوشت خود و خانواده اش یاری دهد باید بداند که یک رأی او تا به چه اندازه می تواند در سرنوشت میهن و مردمش تأثیر گذارنده و یاری دهنده باشد .

تبصره ۲ - همه افراد میهن در پادشاهی آزاد ایران باید یک دوره سه تا شش ماهه را برای آموزش و آگاهی یافتن از بهای گران رأی دهندگی و اهمیت یک گزینش سالم ببینند . بویژه در روستاها و ایلات ، این آموزش باید بگونه ئی گسترده ادامه یابد .

تبصره ۳ - همه کسانی که گواهینامه پایان آموزش هنر گزینش را در دست داشته باشند می توانند آزادانه به پای صندوق های گزینش بروند و آنکس را که شایسته می دانند برای کارهای گوناگون مردمی تا نمایندگی انجمن ریزنان و دیگر امور برگزینند .

تبصره ۴ - آموزگاران این آموزشگاهها نیز خود باید از آگاهان دلسوخته سیاسی و اجتماعی و تحصیلکردگان درجه نخستین کشور پادشاهی آزاد و سوسیال ایران باشند .

باید در دراز مدت آموزشگاههای آموزش هنر گزینش اندک اندک جای خود را به مدارس ابتدائی بسپرد و در مدارس ابتدائی نیز بجای درسهای دینی مانند قرآن و شریعات رشته آگاهی بر هنر گزینش ، تدریس خواهد شد بنا بر این پس از گذشت چند سال آموزشگاههای هنر گزینش جای خود را به هنر کرده های دانشهای مدرن روز خواهند داد و کودکان دبستانی نیز پس از یک دوره پنج ساله ابتدائی بخودی خود در مدارس موفق به دریافت دانشنامه آگاهی بر گزینش خواهند شد و در نسلهای آینده دیگر نیازی به تعلیم بزرگسالان برای آگاهی بر امر گزینش نخواهد بود .

## بند پانزدهم

### انجمن های نگرش بر اداره سوسیال

یکی دیگر از انجمن های درخور توجه، انجمن های نگرش و نظارت بر اجرای بی کم و کاست اقتصاد برابر برای همگان و شیوه دارائی و دهشی سوسیال در سرتاسر کشور می باشد که بایستی است انجمن های ویژه ای از میان انجمن های ایلی و روستائی و شهری برای گسترش و مراقبت این امر بسیار مهم و حساس و اجراء درست و سربلندانه آن برگزیده شود و موارد این بند را زیر کنترل و اداره قرار دهند .

## بند شانزدهم

همه انجمن های فرهنگی - آموزشی - هنری - نگرش و نظارت بر امور برابر ی و سوسیال - و هر انجمن دیگری بی کم و کاست از میان انجمن های مادر که همان انجمن های ایلی - روستائی - و شهری و از سراسر کشور می باشند برگزیده خواهند شد .

برای گسترش درست و سربلندانه انجمن های سرتاسر ی کشور ، باید شبکه ها و رسانه های گروهی در اختیار انجمن های شهر و روستا و استانها - فرمانداری ها - شهرداری ها - بخشداری ها - و روستاها قرار گیرند . بویژه در روستاهای بزرگی که جنبه مرکزیت چند روستای نزدیک به خود دارد باید فرستنده های رادیوئی با موجهائی که بتوانند صدای روستائیان و نیازهایشان را بگوش مسئولین شهرها و اداره کنندگان کشور برسانند برپا گردند . این فرستنده ها در اختیار روستائیان قرار می گیرند تا بازبانهای بومی علاوه بر این که به فرهنگ فولکلور و بومی اقلیم های ایران زمین یاری می دهند مشکلات خودرانیز مستقیماً بامسئولین رده های بالای کشور در میان گذارند و زبان شهری و روستائی در بیان گفتن مشکلاتشان برابر و یکسان باشد .  
تبره ۱ - حد اکثر هر ده روستای نزدیک به یکدیگر باید از یک فرستنده رادیوئی بومی برخوردار باشد.

## بند هفدهم

### بازرسان یا چشم و گوشهای پادشاه

وزارت بازرسی پادشاهی نیز باید گروهها وانجمن های را از میان انجمن های ایلی - روستائی - و شهری برگزیند و باتمام کوشش کمبودهای مردمی و جامعه را به پادشاه که نگهبان مردم و گستراننده فرهنگ مردمی و مسئول رفاه و نان آور و نگهبان رسیدن نان به خانه مردم نیازمند می باشد گزارش کنند ( این بازرسان چشم و گوشهای پادشاه می باشند و در دوران هخامنشیان نیز پادشاهان بزرگ آن خاندان آگاه و توانمند ، بازرسان خود را چشم و گوش پادشاه می خوانده اند) این بازرسان باید پاکیزه و مردمی و بسیار فعال و دلسوخته و سازنده باشند . و در گنجورسرای (وزارتخانه) پزشکی و درمان - گنجورسرای (وزارتخانه) سوسیال و خدمات مردمی و خانه رایگان برای همه - گنجور سرای (وزارتخانه) گسترش فرهنگ و هنر ایران - گنجور سرای (وزارتخانه) دیده بانی و نظارت بر سازندگی همسان در روستا و شهر به کار نگرش در اجرای درست آئین ها و ریشه های مهم و مورد نیاز زندگی مردم به پردازند و کمبودهای اجرائی را به پادشاه گزارش دهند تا این کمبودها در کمتر از یک هفته از سوی پادشاه به انجمن رایزنان (مجلس شورا) آگهی داده شود و سرانجام مشکل مردم هرچه تند تر و بدون کشتن وقت بادست نمایندگان خود مردم برطرف گردد .

## بندهای پایانی یامتمم

### بند یک

در کشور پادشاهی آزاد ایران هیچ گروهی حق ندارد پیرامون امور باوری و عقیدتی دست به تظاهرات و تبلیغات دینی بزند و گزینش دین برای هریک از افراد مردم آزاد خواهد بود و دولت حق ندارد هیچ کس را به گزینش دین و یا مذهب ویژه‌ئی فرا بخواند، رسانه‌ها نیز نباید در این مورد اذهان مردم را درهم و برهم نمایند و اگر کسی بخواهد باوری را برای خود برگزیند میتواند از راه فرهنگ و آگاهی و خواندن، آن مرام را پذیرا شود.

این بند نیز گرفته شده از فرهنگ و تاریخ کهن ما ایرانیان می باشد که تجارب تلخ تاریخی کهنه ونو در حفظ و حمایت از آن توصیه و سفارش بزرگ و پیاپی خود را به فرزندان ایران آشکار نموده و آنان را به سوی خردمندان اندیشیدن فرا میخواند. و جمشید شاه بزرگ اینچنین فرمان داد:

گروهی که کاتوزبان خوانیش	به رسم پرستندگان دانیش
جدا کردشان از میان گروه	پرستنده را جایگه کرد کوه
بدان تا پرستش بود کارشان	نوان پیش روشن جهاندارشان

بالای دورانی بیش از شش‌هزار سال پیش از این نیاکان خردمند ما ایرانیان دریافته بودند که باید مردان دین از میان مردم به دور باشند، چه رسد به اینکه بخواهند در میان مردم بمانند و دین را ابزار دست دزدان، و شمشیری برای چپاول و آدمکشی های خود نمایند.

### بند ۲

#### دادستانان

دادستانان که ارائه دهندگان مدارک بر کردار بزهکاران و محکوم کنندگان بد کرداران بشمار میروند می توانند بگونه‌ئی انفرادی و یا انجمنی به کار خود را ادامه دهند، در آئین ریشه‌ئی کشور پادشاهی آزاد ایران گزینش انفرادی و یا انجمنی بودن به خود این دسته از خدمتگذاران مردم واگذار می‌گردد.

### بند ۳

#### پناهندگان

در کشور پادشاهی ایران نباید هیچ فرد ناراضی وجود داشته باشد که ناراضیتی او انگیزه پناهندگی سیاسی او در کشورهای بیگانه شود، و اگر خدای ناخواسته چنین پدیده‌ئی در کشور پادشاهی آزاد ایران به وجود آید، اداره نخست رایزنی (نخست وزیری) و انجمن وزیران (انجمن گنجوران) وزارت خارجه (کنجور سرای ویژه بیگانگان) باید رسماً کسانی را نزد شخصی که میهن را ترک نموده گسیل دارند و انگیزه دلجووانه و در صورت بایستنی بودن پوزش دولت پادشاهی ایران را به او ابلاغ نمایند و چنانچه کمبود و یا کمبودهائی در زندگی او انگیزه اینچنین اقدامی شده باشند دولت پادشاهی آزاد ایران و وظیفه دارد این کمبودها را بر طرف و رفاه آزادمنشانه آن هم میهن را فراهم و او را به میهن باز گرداند.

تبصره ۱ - دولت پادشاهی آزاد ایران باید آشکارا این بند از آئین نامه ریشه ئی خود را به کشورهای جهان آگاهی دهد تا چنانچه چنین شرایطی در کشور های بیگانه برای هم میهنان ناراضی پیش بیاید آن کشور ، دولت پادشاهی آزاد ایران را آگاه سازد تا دولت هرچه زود تر برای برکنارسازی نگرانی هم میهن پناهنده کارهای مردم دوستانه و بایستی بالا را انجام دهد .

## بند ۴

### فرستادگان (سفیران)

فرستادگان سیاسی ایران (سفیران) باید از فرهنگمردان آگاه - دلاور و میهن پرست و آزاده ، از سوی انجمن وزیران وزارتخانه خارجه (انجمن گنجوران گنجورسرای ویژه بیگانگان) تعیین و به نخست رایزن معرفی گردند و نخست رایزن با هم اندیشی و فرمانی از سوی پادشاه که (آن فرمان) نقش تشریفاتی خواهد داشت آن فرستاده را (سفیر را) به کشور مورد نظر گسیل دارد .

برپادشاه بایستی است که پس از هر دو دهه (بیست سال) از انجمن رایزنان بخواهد تا برای تجدید نیروی دولت پادشاهی آئین های (قوانین) نوین و پیشرفته و سازنده جهان را که برای آینده و حال مردم ایران زمین و پیوستن به این قانون اساسی شایستگی دارند گردآوری نموده و در صورت پذیرش بیشترین شمار نمایندگان انجمن رایزنان آنها را به این آئین نامه ریشه ئی (قانون اساسی) بیفزایند تا کشور با بایستی های روز و با دست آوردهای هنری فرهنگی و صنعتی جهان هماهنگی و همراهی مدام داشته باشد .

تبصره ۱ - پادشاه باید پس از گذشت ۲۰ سال از دوران پادشاهی بند بالا را رسماً به انجمن رایزنان یادآور گردد و به همراه نخست رایزن شاهد اجرای درست این برنامه و الحاق آئین نامه های نوین به آئین ریشه ئی یا قانون اساسی کشور باشد . اگر طبق فرمان زمان پادشاه زودتر از بیست سال ، دوران پادشاهی جهان را بدرد بگوید و یا خود به انگیزه هائی از کار برکنار شود ، برچانشین پادشاه چه زن و چه مرد بایستی است که این زمان را پاسداری کند و پس از بیست سال از دوران پادشاه پیشین مراسم الحاق آئین های نوین به آئین ریشه ئی (قانون اساسی) پادشاهی را پیگیری و اجراء نماید.

این آئین نامه ریشه ئی طرحی نوین و گرفته شده از همه زوایای تاریخ و فرهنگ ایرانی می باشد که بیگمان می تواند نیکبختی را به فرزندان این آب و خاک ارمغان نماید و انجمن پادشاهی ایران آرزومند است ملت ایران به آن درجه از آگاهی رسیده باشند که برای به کرسی نشاندن این گوهر چکیده شده از فرهنگ و تاریخ نیاکانی خود تاپای جان کوشا و استوار پایداری نمایند و برای برپائیش از هیچ کردار دلاورانه و آزادمشانه ئی کوتاهی نکنند . پاینده باد ایران گهواره فرهنگ و خرد .